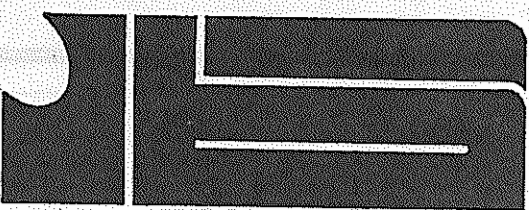


مونیخ، آغاز فصل جدید استعمار؟

تظاهر کنندگان علیه اجلاس مونیخ:

به پانصد سال استعمار پایان دهید!

در صفحه ۱۲



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۷۱ - ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ - دوره سوم - شماره ۳۹

KAR, No. 39 Wednesday 22 Jul 1992

فاجعه سقوط هواپیمای ایرانی در اثر اشتیاق به جنگ آمریکایی ها

اتفاق افتاد

گزارش تازه نیوزویک از فاجعه سرنگونی

ارباس ایرانی در سال ۶۷

در صفحه ۳

سازمان هغو بین الملل:

رژیم حاکم بر ایران در صدر نقض کنندگان حقوق بشر

روز پنجشنبه، ۱۸ تیر (۹ ژوئن) سازمان هغو بین الملل گزارش سالانه خود در باره وضعیت حقوق بشر را انتشار داد. گزارش جدیدی که بازتاب دهنده واقعیتی قدیمی است: جمهوری اسلامی ایران کماکان در صدر جدول رژیم‌های استبداد و وحشیانه‌ترین طرق پایمال می‌کنند. گزارش مذکور یادآور واقعیات تلخ بسیاری است. در سال گذشته میلادی صدها تن در ایران شکنجه، زندانی و اعدام شده‌اند. در دادگاه‌هایی که حتی بدون اطلاع قبلی به زندانی برپا می‌شوند، زندانی فاقد هر حقی، از جمله حق داشتن وکیل برای دفاع از خود است. این دادگاه‌ها غالباً بیش از چند دقیقه دوام نمی‌یابند. در میان خیل زندانیان سیاسی که در زندان‌های رژیم اسلامی حاکم ادامه در صفحه ۲

خاتمی از وزارت ارشاد کناره‌گذاشته شد

● ابقای استعفای خاتمی موضوع کشمکش چندین ماهه محافل حکومت بود.

● با استعفای خاتمی فعالیت نشریات غیر دولتی محدود خواهد شد.

● هلی لاریجانی به سرپرستی وزارت ارشاد منصوب شد.

پس از هفته‌ها کشمکش در درون حکومت بر سر ابقای استعفای خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بالاخره استعفای وی از سوی رفسنجانی پذیرفته شد. هلی لاریجانی که گفته می‌شود برادر محمد جواد لاریجانی است، به عنوان سرپرست وزارت ارشاد از سوی رفسنجانی تعیین گردید. موضوع استعفای خاتمی نخستین بار اوایل خرداد ماه در جریان یک مناظره میان سردبیران روزنامه‌های رسالت و سلام هلی شد. سپس روزنامه تهران تایمز استعفای خاتمی را به عنوان خبر منتشر کرد، اما روز بعد تکذیب و اعلام کرد این استعفا مورد موافقت رفسنجانی قرار نگرفت. پنجشنبه هفته گذشته رادیو جمهوری اسلامی اعلام کرد هاشمی رفسنجانی استعفای خاتمی را

روبرو بود. در ماه‌های اخیر و بعد از آنکه خامنه‌ای "مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن" علم کرد، مخالفت با سیاست‌های وزارت ارشاد و شخص خاتمی بالا گرفت. سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم روزنامه کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی از جمله مدعیان فعال این کارزار علیه سید محمد خاتمی بودند. کاریکاتور ماهنامه "فاراد" دستاویزی برای شدت گرفتن حملات این محافل تشری شد و جهت حملات علیه وزارت ارشاد هلی‌تر شد. هلی مشکینی در ارتباط با ماجرای "فاراد" مستقیماً خاتمی را نشانه گرفت: "اشخاصی که اجازه می‌دهند زیر نظر آنها و در این تاریکی چنین حشرات امکان حرکت پیدا کنند مسئول هستند و باید جوابگو باشند."

همان‌طور که روزنامه کیهان نوشت: "روز وزارت ارشاد عناصر فرصت طلب در سایه روشن‌های مسیر به کمین نشستند و هر از چندگاهی با سوء استفاده از اطمینان و اعتقاد مسئولان از درون، دروازه راه روی دشمن باز می‌کنند." و روزنامه رسالت نیز ادامه در صفحه ۳

حکومت آسان

واکنش تندو سرکوبگرانه سران حکومت در قبال شورش و شورشیان مشهد که زهران بر جان مصیبتگران شیراز و اراک و دیگر بیخاستگان در اقصی نقاط کشور نیز ریخته شد، با گذشت چند هفته از این حادثه و در فضایی فاصله‌دار از شورش، بعنوان تصمیم قطعی حکومت تثبیت شد. سخنرانی خامنه‌ای در روز دوشنبه بیست و دوم تیرماه برابر با دوازدهم محرم در جمع گروهی از بسیجی‌ها و پاسداران، اعلام مشی رسمی رژیم در قبال اعتراضات مردمی و "تهاجم فرهنگی" بود. جوهر سخنان رهبر جمهوری اسلامی، در عزم حکومت برای سرکوب قاطع هر اراده مخالف با رژیم اسلامی و منویات آن خلاصه می‌شود. او نهادهای زور و سرکوب رژیم را به هشیاری و آمادگی در برابر هر حرکت مغایر با نظام فراخواند و به آنها اختیار و قدرتی بیش از پیش داد.

راه افتادن موج وسیعی از تبلیغات پیرامون اهمیت این سخنان و تأکید آنها بخش بعدی سناریویی بود که حکومت در بر خ کشیدن آن برای مردم و حتی حکومتی‌های ناراضی و افزاینده تردید افتاده در رژیم، تعهد دارد. رئیس جمهور اسلامی یک روز پس از سخنرانی ولی فقیه اعلام داشت که در جمهوری اسلامی، بسج و سپاه بدنه اصلی حکومت‌اند و باید در میدان باشند. آنگاه، نوبت اعلام حمایت از این مشی و تصمیم توسط نهاد های مختلف رژیم و ویژه نیروهای نظامی و انتظامی آن و متعاقباً نمایش قدرت و رهب رسید. رژیم اعلام کرد که ۲۷ تیر سالروز ادفام کمیته و شهربانی، از این پس بعنوان "روز نیروی انتظامی" قلمداد می‌شود. و اکنون جوی که آفریده شده تا این سیاست رسمی در عمل جا بیفتد، فضای کشور را زیر سیطره خود گرفته است.

در چنین فضایی است که سیاست تخریب آونک‌ها و خانه‌های محقری که حاشیه نشینان بی سرپناه برای خود دست و پا کرده‌اند، با خشونت هر چه تماتر در شهرهای بزرگ کشور و بویژه تهران پیش برده می‌شود. به پشتوانه قهر حاضر در صحنه، قیمت خدمات همومی به بهای تشدید فشار کمر شکن بر مردم مستاصل و فقر زده، بالا می‌رود. ندره‌هایی که دیگر راهی جز بلند کردن صدای اعتراض پیش پای خود نمی‌بینند، به بهانه اخلاص روانه زندان‌ها می‌گردند.

در چنین فضایی است که فشار سنگین بر جامعه فرهنگی کشور اعمال می‌شود و موج توقیف نشریاتی که مروج فرهنگی مغایر با افکار و تمایلات فقهی حاکم هستند، دور بیشتری می‌گیرد. و تهدیدها علیه روزنامه‌هایی که مدافع نظام ولی مخالف سیاست‌ها و روش‌های ائتلاف حاکم هستند، مدام جدی تر می‌شود. وزیر ارشاد اسلامی که معتقد بود نباید همه روزها را بست و باید حداقل تحمل افکار غیر خودی را داشت، برکنار می‌گردد. و ایام محرم بهانه قرار می‌گیرد تا حزب الله تحریک شده بی محابا به خیابان‌ها بریزد و به بهانه مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی جان هابیران را در شیشه کند.

چنینی که رژیم برای مردم ایجاد کرده و اینک از هر جهت کمر به دمیدن در آتش مردم سوز آن بسته است، ضرورتی برای رسیدن به بهشت زمینی تلقی می‌شود که طبق دایره حکومتگران در سالهای بعد فرا خواهد رسید و برای مردم ایران خوشبختی ار مغان خواهد آورد. اما این وعده‌ای دور و وین بیش بوده و حکومتگران و دولت حتی قادر به ارائه یک موفقیت در مسیر هدایت کشور به این هدف نیستند. تصمیم حکومت، نه برای نجات فردای مردم که نجات خود در همین امروز است. حکومت وحشت کرده است و چاره کار را در ایجاد وحشت و رهب در جامعه می‌بیند. رژیم که خود مسبب اصلی فلاکت ادامه در صفحه ۲

سفر ولایتی به آلمان فدرال

روز ۲۵ تیر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، سفر رسمی سه روزه خود به جمهوری فدرال آلمان را نیمه‌کاره گذاشت و به ایران بازگشت. ولایتی در آخرین روز اقامت خود در آلمان، در پوتسدام هدف پرتاب سنگ، تخم مرغ و بطری شیشه‌ای قرار گرفت. در ارتباط با این امر، سه نفر از سوی پلیس آلمان دستگیر شدند.

سرخنوی مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی در بن، اظهار داشت، که سفر وزیر امور خارجه زودتر از موعد پایان نیافته است و وی تنها "بدلیل کمبود وقت" از بازدید یک موزه و یک قصر در برلین بازمانده است. کلاوس کینکل، وزیر امور خارجه آلمان از بروز این حادثه اظهار تاسف کرد و قول رسیدگی به آن را داد.

نشریات غیر دولتی در آستانه تعطیلی؟

● روزنامه کیهان از دولت خواست مجلات ناسازگار با فرهنگ اسلامی را جمع‌آوری کند.

● انتشار ماهنامه تکاپو در نخستین شماره متوقف ماند.

● از فعالیت ماهنامه در پیچه گفتگو پس از ۶ شماره انتشار جلوگیری شد.

دامنه سیاست سرکوب آشکاری که رژیم در برابر موج اعتراضات مردمی در پیش گرفته است، رفته رفته فعالیت نشریات غیر دولتی را نیز در بر می‌گیرد. بر اساس گزارشات رسیده در هفته‌های اخیر از ادامه انتشار چند ماهنامه جلوگیری شده است و فشار بر دیگر نشریات برای ممانعت از ادامه فعالیت آنها افزایش یافته است. ماهنامه "در پیچه گفتگو" که انتشار آن سال گذشته آغاز گردید، پس از ۶ شماره انتشار اکنون متوقف شده است. مجله تازه تاسیس "تکاپو" (ویژه بانوان)

تنها سیاستهای آن دلخواه گروه حاکم نیست، نشانه بی‌پایه بودن ادعای رژیم است که سرکوبگری خود را با عنوان مبارزه با "تهاجم فرهنگی علیه ارزشهای اسلامی" توجیه می‌کند.

فشار بر فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی خارج از کادر حکومت، از مدت‌ها پیش و در مورد بسیاری از نشریات و نویسندگان از هنگام آغاز فعالیت آنها شروع شده است. اما این فشارها در ماه‌های اخیر بویژه پس از اعلام خامنه‌ای مبنی بر ضرورت "مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن" شدت گرفته است. مخالفی چون سازمان تبلیغات اسلامی و گردانندگان روزنامه کیهان بیش از دیگران عاملین این فشارها و تحریکات بودند، که به جلوگیری از "گردون" و "فاراد" منجر شده است. دفتر مجله "دنیای سخن" نیز در اثر ادامه در صفحه ۳

کمبود آب و برق زندگی مردم را فلج کرده است

آب در بسیاری از مناطق جیره بندی شده و مردم در طول شبانه روز تنها ۳ تا ۳ ساعت از آب آشامیدنی برخوردارند.

مردم تهران می‌گویند: آیا ما در قرن بیستم هستیم؟ ۱۲ ساعت خاموشی در طول روز؟ به ستوه آمده‌ایم!

با گرم شدن هوا، کمبود و قطع پی‌درپی برق و آب، زندگی مردم در تهران و بسیاری از شهرهای کشور را فلج کرده است. قطع آب و برق از حالت معمول و همیشگی در جمهوری اسلامی خارج شده و در بسیاری از مناطق بدمت ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز و در مناطقی دیگر روزهایی متوالی حتی تا ۱۰ روز ادامه می‌یابد. آب در بسیاری از شهرها و شهرکها جیره بندی شده و مردم تنها ۲ ساعت در طول روز می‌توانند از آب آشامیدنی استفاده کنند. خاموشی‌های ادامه در صفحه ۵

در این شماره:

نکاتی پیرامون

شکست سوسیالیسم موجود

در صفحه ۷

پیامد مخرب یک بازی فتنه‌جویانه

در صفحه ۸

سوسیالیسم چیست؟

در صفحه ۹

رژیم تخریب آونک‌ها را همچنان ادامه می‌دهد.

رژیم همچنان به تخریب آونک‌های بی‌سرنیاهان ادامه می‌دهد. شب دوشنبه هفتم تیر ماه ماموران شهرداری منطقه ۱۸ تهران تعداد ۶۵۰ واحد مسکونی را تخریب کردند. شانزدهم تیر ماموران شهرداری در جاده قدیم کرج (بیمارستان شماره ۲ فیاض بخش) خانه‌های زیادی را خراب کردند.

ادامه در صفحه ۵

رژیم همچنان به تخریب آونک‌های بی‌سرنیاهان ادامه می‌دهد. شب دوشنبه هفتم تیر ماه ماموران شهرداری منطقه ۱۸ تهران تعداد ۶۵۰ واحد مسکونی را تخریب کردند. شانزدهم تیر ماموران شهرداری در جاده قدیم کرج (بیمارستان شماره ۲ فیاض بخش) خانه‌های زیادی را خراب کردند.

ادامه در صفحه ۵

گسترش اختلاف در ائتلاف حاکم

در حالیکه حکومت به طور یک پارچه، بر ضرورت مشت آهنین در برابر اعتراض‌های مردمی تأکید دارد، در درون آن نشانه‌هایی از گسترش اختلاف‌ها و تضادهای قدیمی سر برمی‌آورد. اختلافات و رقابت‌های پنهان و پشت پرده بین دولت و دستگاه سنتی روحانیون و بازاریان - یعنی ائتلافی که هم‌اکنون قدرت را در اختیار دارد - به تدریج به سطح می‌آید و آشکار می‌شود.

روزنامه رسالت ارگان «جناح راست» که در جریان انتخابات مجلس چهارم به طور فعالانه‌ای به حمایت از دولت برخاسته بود، اکنون مدتی است ناراضی‌ترین سیاست‌های دولتی و رسمی را آشکار کرده و به انتقاد از دولت و برخی از سیاست‌های آن پرداخته است. در ارائه همین سیاست، آیت‌الله جنتی از چهره‌های سرشناس دستگاه روحانیت نیز در نماز جمعه ۱۲ تیر تهران، برای نخستین بار دولت را مورد انتقادهای مستقیم قرار داد و از «مسئولین» خواست کارها را به دست «انقلابی»ها و حزب‌الله بیاورند. دستگاه روحانیت و حوزه‌های علمیه با پشتیبانی خامنه‌ای تهاجم تازه‌ای علیه «تهاجم فرهنگی» به راه انداختند و سیاست‌های دولت رفسنجانی در زمینه کاهش برخی فشارهای اجتماعی را شدیداً مورد حمله قرار دادند. اوچ این تقابل در تلاش برای برکناری خاتمی وزیر ارشاد اسلامی بود که سرانجام پس از ماه‌ها مبارزه حاد درونی و گاه بیرونی، سرانجام به موفقیت انجامید و اکنون باید منتظر چرخش‌های تازه‌ای در زمینه سیاست‌های فرهنگی رژیم بود.

مجموعه تحولات فوق بیانگر گسترش و آشکار شدن اختلاف‌ها و رقابت‌ها بین دستگاه روحانیت و بازار با دولت است. این وضعیت بلافاصله پس از پیروزی مشترک این ائتلاف بر نیروهای تندرو و تصرف مجلس شکل گرفت. پیروزمندان پس از شکست سنگینی که بر دشمن مشترک وارد آوردند، نیروهای خود را برای پیشبرد اهداف خود و سهم بیشتر

حکومت آسان

ادامه از صفحه ۱

همومی کنونی است فاقد برنامه و توانایی و ظرفیت برای مقابله با وضع نابهنجار فعلی کشور در کشور است و حساب‌هایی هم که دولت رفسنجانی باز کرده بود، در اصلی‌ترین جفات بی‌شمار از کار در آمده است. نه سرمایه‌گذاری از خارج رونق یافته و نه سوداگران و تجار خرپول حاضرند از سودهای کلان و بازگشت آسان سرمایه دل بکنند. باز توسعه اقتصادی به قیمت فشار سنگین بر توده مردم دربار، آنچه که نقد است همین است و از اولی و الزامات آن خبری نیست.

در چنین مختصاتی است که حکومتگران برآند تا هر کانون بالفعل و نیز بالقوه شورش و مقابله با خود را از بین ببرند. حاشیه نشینان و شهرک‌های حلبی‌آباد، کانون و محل تجمع کسانی است که از این رژیم جز دروغ چیز دیگری ندیده‌اند و نمی‌توانند که زیر فشارهای طاقت فرسای فقر، بی‌آبی، بی‌پرستی و بیکاری و محرومیت از هر امکان اولیه شعر نشینی در فردا، دروغ‌های ادامه‌دار را با عصیان پاسخ ندهند. این حاشیه نشینان، همین امروز نیز بفرمان صیانت ذات مظهر بی‌اعتنایی به قوانین و مقررات حکومت هستند و توریته قدرتمندان را به هیچ مینگردند. و این برای صاحبان قدرت که از هر گونه سست شدن رشته‌سکانداری در هر اسند، غیر قابل تحمل است.

رژیم به سان دزدی که از سایه خود میترسد، در ورای هر انتقاد و اعتراض، توطئه می‌بندد و از اینرو قدرت کمترین تحمل مخالفت خوانی را هم از دست میدهد. سکانداران رژیم بهتر از هر کس دیگر از آتش زیر خاکستر در جامعه خیر دارند و می‌ترسند که هر حرکت حق طلبانه بویژه اگر در مطالبه حق خود به پیروزی برسد، بلافاصله در شفاعت وسیع باز تولید شود و بتواند که به نهضتی در میان مردم فرا برود.

رژیم، وجود جنبش فرهنگی در کشور را که فقط از منافذ باریک توانسته قد بگذرد و تنها بخش کوچکی از پتانسیل عظیم فرهنگ مرفه‌تری و تجدطلبی را نمایانگی میکند و صرفاً پیش در آمد جنبش عظیم فرهنگی در راه است، خطر «شیخون فرهنگی» به تحمیلات قرون وسطایی خود بر جامعه تفسیر می‌کند. شیخ فرهنگی دیگر که با باورها و افکار پوسیده حکام جمهوری اسلامی منافات دارد، ترس جانگامی را بر جان آنها مستولی کرده است.

رژیم، وحشت از این دارد که زمام امور را از کف بنهد و آنگاه قدرت را از دست بدهد. پناه بردن به خود و نیروی مسلح خود، تدبیری است که بی‌تدبیرهای حاکم آنرا آسان‌ترین و چاره سازترین می‌شناسند. اما، جامعه براه خود می‌رود و سرانجام ولو با پیچ و خم بسیار و درد فراوان، و ولو بتدریج و در اشکال گوناگون، این تدبیر را ناکام خواهد گذاشت. حکومتگران جمهوری اسلامی، قصد کرده‌اند زمانی بفرمانند که حکومت آسان بدترین انتخاب است که دیگر راه جبرانی در پیش نباشد.

از اقلیتیه مطبوعاتی حزب دموکرات کردستان ایران رژیم مخالفان خود را ترور می‌کند

دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در خارج از کشور با صدور اطلاعیه مطبوعاتی پیرامون سوء قصد به خانم میتران و هیئت همراه او که سرگرم بازدید از کردستان عراق بودند و نیز ترورهایی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان عراق صورت می‌گیرد، به چند فقره ترور ناجوانمردانه از سوی رژیم اشاره کرده که در زیر از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

«حضور غیر طبیعی و گسترده، عوامل رژیم در کردستان عراق تاکنون موجب شمار زیادی از اعمال تروریستی علیه اپوزیسیون ایرانی مقیم در آنجا گشته که چند مورد از آنها درست به همین شیوه توطئه اخیر سوء قصد به خانم میتران و هیئت همراه به انجام رسیده‌اند، که مطبوعات رژیم نیز رسماً به ارتکاب آنها اعتراف کرده‌اند. ما نمونه‌هایی از این اقدامات تروریستی را جهت اطلاع عموم به شرح زیر ذکر می‌کنیم:

۱- در ۱۲ سپتامبر ۹۵، سعید یزدان پناه مسئول سازمان جدیدالتاسیس اتحاد انقلابیون دموکرات کردستان ایران در شهر سلیمانیه از جانب تروریست‌های رژیم اسلامی مورد سوء قصد قرار گرفت و جان باخت.

۲- در ماه نوامبر ۹۲، هنگامیکه شماری از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران به همراه خانواده‌هایشان عازم بیمارستان حزب واقع در نوار مرزی ایران و عراق بودند، با بهره‌گیری از همین متد، اتوبوس حامل آنها، منجر گردید که در نتیجه ۳ نفر از اعضای حزب جان خود را از دست داده و ۲۴ نفر زخمی شدند.

۳- در ماه مه ۹۲، سیف‌الله سلیمانپور از کردهای ایرانی پناهنده در عراق، به همراه برادرش در شهر سلیمانیه از جانب عوامل رژیم اسلامی به قتل رسیدند که رژیم رسماً به ترور آنها اعتراف کرد.

۴- در ماه ژوئن ۹۲، شاپور فیروزی از اعضای سابق حزب دموکرات کردستان ایران در نزدیکی شهر رانیه ترور گردید.

۵- روز ۳ ژوئن ۹۲، دکتر جنوچهر از مسئولین سازمان اتحادیه کونیست‌های ایران در شهر سلیمانیه مورد سوء قصد قرار گرفت و جان باخت.

در اطلاعیه دیگری که از سوی اتحادیه کونیست‌های ایران (سربداران) انتشار یافته به ترور کامران منصور مقدم از کارهای این شکل سیاسی اشاره شده و در آن آمده است:

«با اندوه و خشم فراوان به اطلاع می‌رسانیم که در ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۵ تیرماه در شهر سلیمانیه (واقع در کردستان عراق) رفیق کامران منصور مقدم (منوچهر) با شناسایی قبلی هدف ترور دو تبعکار رذل از جیره‌خواران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان باخت»

«شمال جمهوری اسلامی تحت پوشش پاره‌ای از احزاب کردستان عراق در سلیمانیه و دیگر شهرها آزادانه رفت و آمد کرده و نقشه‌های جنایتکارانه خود را علیه سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی به اجرا در می‌آورند.»

ما با تسلیت به خانواده همه این مبارزانی که قربانی سیاست ناجوانمردانه و وحشیانه تروریسم رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند و ابراز همدردی با سازمان‌های سیاسی که کادرها و اعضایان توسط رژیم به شهادت رسیدند، سیاست ترور رژیم جمهوری اسلامی را قاطعانه محکوم می‌کنیم و هشاری همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون را نسبت به توطئه‌های رژیم جلب می‌نمایم.

سازمان مخوف بین الملل: رژیم حاکم بر ایران...

بر میهنمان به سر می‌برند، جرم بسیاری تنها داشتن عقایدی متفاوت با حکام اسلامی کشور است. در پیامد ناآرامی‌های اخیر در پاره‌ای از نقاط کشور، بر شمار زندانیان افزوده شده است. بسیاری از زندانیان زندان‌های ایران، در محاکم فرمایشی به حبس‌های طولانی محکوم می‌شوند.

در گزارش سازمان مخوف بین‌المللی آمده است، در سال ۹۱ میلادی، در ایران حداقل ۷۵۷ تن اعدام شده‌اند. اکثر اعدام‌شدگان فعالین اپوزیسیون سیاسی رژیم و یا دست‌اندرکاران خرید و فروش مواد مخدر بوده‌اند. ۶۰ نفر از آنان به حزب دموکرات کردستان ایران تعلق داشته‌اند. برخی از این عده، جان خود را تنها به خاطر برقراری «روابط نامشروع» جنسی از دست داده‌اند. نحوه اجرای برخی از این اعدام‌ها، پرتاب کردن از یک کوه بوده است.

گزارش می‌افزاید، در خارج از کشور نیز رژیم اسلامی تعدادی از مخالفین خود را ترور کرده است. از جمله اینان دکتر عبدالرحمن برومند و دکتر شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر شاه به همراه سروش کتیبه، دستیار وی را می‌توان برشمرد. در ترور دکتر بختیار حتی مشاور فرعی، وزیر پست و تلگراف نیز شرکت داشته است.

در این گزارش همچنین آمده است، سپتامبر سال گذشته رژیم اسلامی، حق زندانیان در داشتن وکیل را پذیرفته، ولی تا کنون این امر به اجرا در نیامده است. دولت‌مردان تهران اعلام داشتند، که به مناسبت سالگرد انقلاب، ۱۵ هزار زندانی را آزاد کرده‌اند. هنوز معلوم نیست که آیا زندانیان سیاسی نیز در این زمره بوده‌اند یا نه. دسته‌ای از زندانیان سیاسی پس از انجام مصاحبه‌های تلویزیونی و قول همکاری با مقامات امنیتی، از زندان آزاد شده‌اند، لیکن آن‌ها باید مرتباً خود را به مراکز امنیتی معرفی کنند و گاه احضار شوند و مورد بازجویی مجدد قرار گیرند. علاوه بر آن هر یک از آن‌ها باید یک ضامن داشته باشند. در صورت عدم دستگیری می‌شوند، ضامن وی دستگیر می‌شود.

بسیاری از زندانیان که بویژه در سال ۸۲ دستگیر شده‌اند، کهاکان در زندانند، بدون آنکه حتی محاکمه شده باشند.

اکثر این زنان به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب

سفر ولایتی به آلمان فدرال

ادامه از صفحه ۱

انجام می‌شد، که حدود یک ماه پیش منجر به آزادسازی دو گروه آلمانی در لبنان گردید. در سفر اخیر ولایتی به بن، مقامات این کشور مراتب قدردانی خود از کوشش ایران در راه آزادی گروهان‌های آلمانی را با وی در میان گذاشتند. کینکل گفت بدون تلاش موثر و شخصی این امر مخدور نبود.

موضوع گفتگوهای ولایتی با مقامات آلمانی، بهبود همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور، انتقال تکنولوژی آلمان به ایران و تقاضای ایران مبنی بر خرید بیشتر نفت و تولیدات کشاورزی ایران از سوی آلمان بود. لازم به تذکر است که دولت آلمان، اولین دولت غربی بود که در راستای گسترش روابط خود با دولت اسلامی کوشید. هانس دیتریش گنشر که در سال ۴۷ به ایران سفر کرد، اولین وزیر امور خارجه یک کشور غربی بود که پس از انتقال قدرت در تهران، از ایران دیدن کرد. در پی آن کارخانجات و شرکت‌های آلمان غربی، ارتباطات وسیعی را با

جمهوری اسلامی ایران برقرار کردند. از جمله نتایج روابط اقتصادی ایران و آلمان در سال‌های اخیر، سلاح‌های شیمیایی، انواع توپ و سایر تسلیحات نظامی بوده است. ولایتی در دیدار با کوهل، رسماً از وی دعوت کرد، تا به ایران سفر کند.

کوهل، کینکل، کلوزه و موله‌مان در زمینه رعایت حقوق بشر با ولایتی گفتگو کردند. ولایتی گفت، حقوق بشر در ایران بر اساس اسلام رعایت می‌شود.

ولایتی از برخورد برخی از سیاستمداران غربی در این زمینه انتقاد کرد و گفت، آن‌ها از حقوق بشر به عنوان «وسیله فشار سیاسی بر ایران» استفاده می‌کنند.

ولایتی در یک روزنامه آلمانی گفت حکومت ایران همچنان با قاطعیت تمام با ناآرامی‌های اخیر مقابله خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که این ناآرامی‌ها گسترش پیدا کنند.

فاجعه سقوط هواپیمای ایرانی در اثر اشتیاق به جنگ آمریکایی ها اتفاق افتاد

گزارش تازه نیوزویک از فاجعه سرنگونی ارباس ایرانی در سال ۶۷

برای نخستین بار فاش شد که دولت آمریکا در سال ۱۹۸۸ طرحی را برای حمله نظامی به ایران آماده کرده بود.

اطلاعات تازه‌ای که اخیراً توسط مجله نیوزویک و شبکه تلویزیونی «ای.بی.سی.» آمریکا در باره سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران در سال ۶۷ توسط رزمناو آمریکایی در خلیج فارس، فاش شده است، نشان میدهد که دولت آمریکا در توجیه این اقدام خود به دروغ متوسل شده است.

ایرباس ایرانی در سوم ژوئیه ۱۹۸۸ (۱۳ تیرماه ۶۷) از فرودگاه بندرعباس هازم دومی بود که با شلیک موشکی از سوی رزمناو آمریکایی «وینیز» در آسمان خلیج فارس متلاشی شد و همه ۲۹۰ نفر سرنشین آن جان باختند.

در پی این فاجعه دلخراش مقامات آمریکایی اعلام کردند که حمله به هواپیمای ایرباس ایرانی بر اثر اشتباه در تشخیص هواپیمایه جای جنگنده اف - ۱۴ یا اف - ۴ صورت گرفته است و رزمناو آمریکا که آن روز درگیر نبرد با قایق‌های توپدار ایران بود، برای دفاع از خود دست به این حمله زده است.

اما مجله نیوزویک پس از گذشت ۴ سال از این فاجعه و در گزارش خود پیرامون سرنگونی هواپیمای ایرانی از «ویل راجرز» فرمانده رزمناو «وینیز» به عنوان افسری که بیش از اندازه مشتاق جنگ بوده یاد می‌کند و به نقل از افسران دیگر می‌نویسد: او خواهان جنگ بود و بدنبال دشمن می‌رفت تا با او درگیر شود.

گزارش نیوزویک از حمله ناو آمریکایی به ایرباس ایرانی بر این اساس استوار است که این حمله در اثر تمایل بیش از حد فرمانده ناو به جنگ و بی‌تجربگی افراد تحت فرمان او در کار با دستگاه‌های پیچیده و پیشرفته ناو «وینیز» اتفاق افتاده است.

نیوزویک درباره جنگی که روز فاجعه ظاهراً میان رزمناو آمریکا و «قایق‌های توپدار» ایرانی در جریان بوده می‌نویسد: «راجرز» فرمانده رزمناو به مضحک‌های کشانده شده بود... دشمن یک نیروی دریایی منظم نبود، بلکه مشتکی لات ولوت بودند که در قایق‌های تند و مجهز به سلاح‌های مختصر به این سو و آن می‌راندند. جنگیدن با آنان توسط رزمناوی چون «وینیز» بدان می‌مانست که انسان خرگوشی را با موشک هدایت شونده هدف قرار دهد.

نیوزویک همچنین نوشته است که «تحقیقات ما نشان داده است که ناو وینیز به هنگام ساقط کردن هواپیمای ایرانی برخلاف قوانین بین‌المللی در آب‌های ساحلی ایران بوده است.»

بنابراین مطالب یاد شده باید گفت رزمناو آمریکایی برای درگیر شدن با نیروهای ایرانی و ایجاد جنگ وارد آب‌های ساحلی ایران شده بود. در برنامه «نایت لاین» شبکه «ای.بی.سی.» که

خاتمی از وزارت ارشاد کناره‌گذاشته شد

ادامه از صفحه ۱

همزمان نوشت: «نشریاتی که زیر چتر حمایت وزارت ارشاد چاپ می‌شوند، بسیج، حجاب، شهادت و امام‌راه سخره گرفته‌اند...» دیگر همه فهمیده‌اند که فضای فرهنگی کشور نیاز به بازسازی مجدد دارد و این بازسازی باید هر چه سریعتر صورت بگیرد تا انقلاب در نبرد فرهنگی حساس حال و آینده از آسیب کمتری برخوردار شود.

با وجود این فشارها، رفسنجانی استعفاي خاتمی را نپذیرفت. اما در پی شورش‌های اخیر در چندین شهر کشور و هراسی که امکان گسترش این اعتراضات در میان رژیم ایجاد کرده، فشارها برای کنار گذاشتن خاتمی شدیدتر و مقاومت برای ابقای آن کاهش یافت.

برکناری خاتمی به معنای آن است که حکومت در صدد تغییر سیاست فرهنگی خود در دوسه سال اخیر است. رفسنجانی با پذیرش استعفاي خاتمی در واقع تسلیم محافل قشری حکومت و فقه‌های حوزه علمیه شد و باید در

نشریات غیردولتی در آستانه تعطیلی؟

ادامه از صفحه ۱

این تحریکات توسط گروهی حزب الهی منجر شد. در حال حاضر با توجه به وضع رژیم و هراس آن از گسترش روحیه طغیان علیه حکومت در میان مردم فشار محافل مرجع و قشری حکومت برای جلوگیری فعالیت‌های فرهنگی روشنفکران بیش از پیش تشدید شده است. روزنامه کیهان آشکارا از سران حکومت خواسته است که جلوی فعالیت نشریات غیر دولتی و «سازگاری فرهنگ اسلامی» را بگیرد. استعفاي خاتمی وزیر ارشاد اسلامی نتیجه این فشارها و تحریکات و نشانه تغییر رفتار رژیم در برابر فعالیت‌های فرهنگی در مقایسه با دوسال گذشته است. حضور خاتمی در وزارت ارشاد در دوسه سال اخیر با آن سیاستی از جانب حکومت مترادف بود که فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی روشنفکران را در محدوده معینی تحمل میکرد و کنار رفتن خاتمی می‌تواند بمعنای پایان این «تحمل» باشد.

هم اکنون سایه تهدید توقف فعالیت مجلات غیر دولتی - دستکم در مورد پاره‌ای - سر بر آنها سنگینی می‌کند. هلاک آن نابد نشود. ما یک ایران عاری از همه چیز نمی‌خواستیم، بلکه ما یک ایران ساکت، آرام و صلح‌آمیز می‌خواستیم. با اینجه اگر اوضاع به خوبی در خلیج فارس پیش نمی‌رفت ما مجبور می‌شدیم آن طرح‌ها را اجرا بگذاریم.

برلاشدن وجود طرح‌هایی از جانب دولت آمریکا برای حمله به ایران در سال ۶۷ که جنگ ایران و عراق و گسترش آن به آب‌های خلیج فارس به صورت حمله به نفتکش‌ها، شرایط را برای آن مساعد ساخته بود، تأییدی مجدد بر این ارزیابی است که آمریکا از همان هنگام سقوط شاه و برهم خوردن تعادل منطقه به زبان آن همواره در صدد بازگرداندن این تعادل بود. این تلاش‌ها بدلیل نبود ژاندارم منطقه‌ای دلخواه، تاکنون بصورت تلاش برای حضور مستقیم، به هر بهانه‌ای ادامه یافته است.

در حاشیه رویدادها

روزنامه رسالت بعد از انتخابات

روزنامه رسالت بعد از انتخابات مرتباً مطالبی در انتقاد از سیاست‌های مختلف دولت رفسنجانی از جمله سیاست‌های اقتصادی او درج مینماید. رسالت «پنهانکاری» دولت، افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و فساد در دستگاه بوروکراسی کشور و «افراط‌کاری» دولت در زمینه خصوصی‌سازی را مورد نقد قرار میدهد. این روزنامه که در گذشته با دولت چفت بود، اکنون سعی میکند با فاصله از دولت حرکت کند. ولو که این فاصله اندک است و سرهت فاصله‌گیری هنوز بالانگیز است.

زمانیکه رفسنجانی بر مسند ریاست جمهوری نشست، روزنامه رسالت بدفاع از او و سیاست‌های برخاست. رسالت رفسنجانی را در مقابل جناح تندرو تقویت میکرد و آنها را زیر ضرب میگرداند. در جریان انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی، ائتلاف حاکم در رقابت بین جناح‌ها برنده شد و مجلس را قبضه کرد. تندروها در این دور مجلس به اقلیت ناچیز تبدیل شدند. با حذف تندروها، زمینه برای رشد اختلاف و تقاضاها در بین ائتلاف حاکم فراهم آمده است که میتوان بازتاب آن را در روزنامه رسالت دید.

سانسور اخبار در جمهوری اسلامی

این مراسم خبر تمییه کنند، ولی بعد روابط عمومی ریاست جمهوری متنی را تنظیم و به روزنامه‌ها فاکس کرد که تنها آن خبرکار شود. به نوشته این روزنامه «سانسور خبری از طرف روابط عمومی‌ها محدود به یک مورد و مورد نیست»

روزنامه فوق ضمن اعتراض به این نحوه «اطلاع رسانی» روابط عمومی‌ها هشدار داده است که: «باید باور داشت که با این نحو سانسور خبری، نه تنها بر قدرت سازمان متبوع خود نمی‌افزاییم، بلکه آنها را بسیار شکننده و غیر قابل اعتماد می‌کنیم.» این روزنامه اعلام کرده که به این سیاست تن نخواهد داد و «اگر در جایی خبرنگارش حضور داشته باشد، حتی المقدور خبر خبرنگار سلام را منتشر می‌کند و دلپای بر نشر اخبار دیگران نمی‌بیند.»

نگوید مردم با پول آمدند!

در مورد تقلب و خرید آرا در انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی بسیار گفته شده است. یکی از نمونه‌های بارز این تقلبات و خرید آرا مربوط به چگونگی انتخاب ابوظاهر رضوی نماینده سپیدان بود. کل جمعیت سپیدان مطابق آمار رسمی برابر ۷۳ هزار نفر است که در حدود ۴۰ هزار آنها دارای حق رای بودند، اما در پایان انتخابات مجموعه آرای ماخوזה ۸۲ هزار اعلام شد! بعد از تشکیل مجلس، اعتبار نامه رضوی بدلیل «خلی زیاد بودن آرای وی نسبت به کل جمعیت منطقه سپیدان و اردکان» مورد اعتراض واقع شد. وی در دفاع از خود گفت: «شوق و زوق و محبت» مردم حدود ۶۰۰ هزار تومان پول آتوبوس و... داده است و گفتمی تر اینکه ما شین اعتبار نامه این نماینده از سوی مجلس چهارم مورد تأیید قرار گرفت!

نامه مشترک به وزیر امور خارجه آلمان

در رابطه با سفر وزیر امور خارجه رژیم به آلمان فدرال، نامه مشترکی از سوی نمایان خلق ایران (اکثریت) - کمیته آلمان - جمهوری خواهان ملی ایران - واحد آلمان، خطاب به آقای کینکل وزیر امور خارجه آلمان ارسال شده که در زیر بخش‌هایی از آن می‌آید:

به آقای کلاوس کینکل وزیر امور خارجه جمهوری فدرال آلمان

آقای وزیر!

شما از وزیر امور خارجه رژیم استقبال می‌کنید که به حقوق بشر محکوم کرده و در سال قبل بالاترین رقم اعدام‌ها را

بین‌الملل در هفته گذشته آمده است که در ۳۳ کشور جهان ۲۰۸۶ نفر محکوم به مرگ شده‌اند که ۹۸ درصد اعدام‌ها مربوط به چین و ایران بوده‌اند. دولت آلمان هم با چین، هم با ایران بالاترین معاملات بازرگانی را داشته است.

آقای وزیر امور خارجه! ما امضاکنندگان این نامه از شما درخواست می‌کنیم که به خاطر انسانیت و تعهد در قبال منشور جهانی حقوق بشر از همکار ایرانی خود صریح و آشکار بخوابید که:

- صدور اجرای حکم اعدام دستگیرشدگان در شهرهای ایران نوار قطع شود.

ب- هیات‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، صلیب سرخ جهانی و تقو بین‌الملل، پارلمان اروپا اجازه ورود به ایران جهت بررسی و تحقیق پیرامون نقض حقوق بشر و واقعه کشتارهای اخیر داده شود.

- محاکمات و صدور احکام در حضور روزنامه‌نگاران و ازگان‌های حقوقی بین‌المللی صورت گیرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان

جمهوری خواهان ملی ایران

رو نوشت به:

رئیس‌جمهور آلمان

- فرانسویان‌های حربی مجلس آلمان

ایران از پیش نویس کنوانسیون

خلع سلاح شیمیایی حمایت میکند

منوچهر متکی معاون بین الملل وزارت امور خارجه در دیدار با فرستاده ویژه دولت آلمان اعلام کرد که ایران به پیشنهاد آلمان مبنی بر حمایت از پیش نویس کنوانسیون خلع سلاح شیمیایی پاسخ مثبت میدهد. سفر فرستاده ویژه دولت آلمان به ایران به منظور جلب این حمایت صورت گرفت. پیش از آن نیز کلاوس کینکل وزیر امور خارجه آلمان در یک پیام کتبی برای وزیر امور خارجه ایران، خواستار حمایت جمهوری اسلامی از متن پیشنهادی کنوانسیون شده بود.

متکی ضمن اعلام حمایت جمهوری اسلامی از پیش نویس فوق گفت: به باور ما مفاد این کنوانسیون می باید جهان شمول و به دور از تبعیض باشد و به وسیله یک سیستم بازرسی نیز تقویت شود. وی تاکید کرد: در همین حال اجرای مفاد چنین کنوانسیونی نباید طرح ها و برنامه توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای جهان سوم، به ویژه صنایع شیمیایی آنها را با دشواری روبرو سازد.

پیش نویس کنوانسیون خلع سلاح شیمیایی که با مسئولیت رئیس کمیته ویژه خلع سلاح شیمیایی - که در حال حاضر برعهده آلمان است - به احتمال بسیار، امسال برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه خواهد شد.

وزیر صنایع سنگین : سرمایه گذاری خارجی ناقض قانون اساسی نیست

دکتر نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین طی یک مصاحبه مطبوعاتی در تبریز اعلام کرد: «مشارکت و سرمایه گذاری خارجی هرگز ناقض قانون اساسی نبوده و ما طبق تفسیر شورای نگهبان عمل خواهیم کرد.»

اصل ۸۱ قانون اساسی که مورد استناد مخالفان سرمایه گذاری خارجی است می گوید: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن به خارجیان مطلقاً ممنوع است.» اما تفسیر شورای نگهبان از این اصل که مورد استناد وزیر صنایع سنگین قرار گرفته، تاکنون در هیچ جا اعلام نشده است.

گفتنی است که هلیبرگم تلاشهای گسترده دولت برای جلب سرمایه گذاری خارجی، به اعتراف هاشمی رفسنجانی جمهوری اسلامی در این جهت تاکنون به هیچ موفقیتی دست نیافته است.

از میان رویدادها

احتمال دیدار رفسنجانی و ملک فهد

در چهار چوب گسترش همکاری های جمهوری اسلامی با کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس، محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی در اواسط تیر ماه به عربستان سعودی رفت. هدف از این سفر شرکت در اجلاس فوق العاده هیئت عامل بانک توسعه اسلامی - که ریاست دوره ای آن را جمهوری اسلامی بر عهده دارد - اعلام شد. نوربخش روز ۱۵ تیر با ملک فهد پادشاه عربستان سعودی دیدار و پیام کتبی هاشمی رفسنجانی را به وی تسلیم کرد. محتوی این پیام فاش نشد. جمهوری اسلامی ضمن توسعه قابل ملاحظه روابط خود با عربستان سعودی در ماه های اخیر می کوشد این کشور را به افزایش قیمت نفت و همچنین سرمایه گذاری برای احداث یک خط آهن که جمهوری های آسیای میانه را از طریق ایران به دریای آزاد متصل کند، ترغیب نماید. به گفته محسن نوربخش احداث این خط آهن که می تواند سالانه ۲۰ میلیارد دلار بر حجم بازار منطقه بیافزاید، هم اکنون در بانک توسعه اسلامی در دست مطالعه است.

تشدید رقابت بین روزنامه ها

به گزارش روزنامه سلام در حالیکه روزنامه های کثیرالانتشار به دنبال افزایش قیمت ها، تیراژ خود را کاهش داده و سعی می کنند در حفظ تناسب خریداران خود توفیقی بدست آورند، وضع فروش بعضی روزنامه ها هنوز به روند فروش پیش از افزایش قیمت ها نرسیده است و در آخرین ساعات روز، هم چنان برپیشخوان دکه های مطلوبه های باقی می ماند - به گزارش این روزنامه «یک

دعوا بر سر «ویدیو» ادامه دارد!

بدنبال تاسیس «بانک فیلم های ویدیویی در شهرستان کرج» اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تاسیس این مرکز را مقایسه با سیاست های این وزارتخانه اعلام کرد و مرکز مذکور تعطیل شد. حجت الاسلام ذاکری رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کرج در گفتگو با خبرنگاران ضمن اعلام این موضوع افزود: «بر اساس آخرین اعلام اداره کل نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تفسیری در مورد سیاست های جاری در مورد ویدیو انجام پذیرفته و در حال حاضر هیچ گونه مجوزی برای تاسیس این گونه مراکز صادر نخواهد شد.» وی اعلام کرد: موضوع کیفیت استفاده از ویدیو در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و در حال بررسی است و تا قبل از ابلاغ نتایج آن، استفاده از ویدیو و فیلم های ویدیویی جز در موارد آموزشی، علمی و تحقیقاتی در جامعه، جایگاه قانونی ندارد!

آمار اراضی و بهره برداری های کشاورزی منتشر شد

مرکز آمار ایران نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ کل کشور را منتشر کرد. مطابق آمارگیری های این مرکز در سال مذکور جمعاً ۳/۳ میلیون بهره برداری کشاورزی وجود داشته است. مجموعه اراضی کشاورزی شامل اراضی آبی، دیم، آیش و باغ و تلیستان به ۱۷/۲

خط آهن که جمهوری های آسیای میانه را از طریق ایران به دریای آزاد متصل کند، ترغیب نماید. به گفته محسن نوربخش احداث این خط آهن که می تواند سالانه ۲۰ میلیارد دلار بر حجم بازار منطقه بیافزاید، هم اکنون در بانک توسعه اسلامی در دست مطالعه است.

به گزارش روزنامه سلام در حالیکه روزنامه های کثیرالانتشار به دنبال افزایش قیمت ها، تیراژ خود را کاهش داده و سعی می کنند در حفظ تناسب خریداران خود توفیقی بدست آورند، وضع فروش بعضی روزنامه ها هنوز به روند فروش پیش از افزایش قیمت ها نرسیده است و در آخرین ساعات روز، هم چنان برپیشخوان دکه های مطلوبه های باقی می ماند - به گزارش این روزنامه «یک

بدنبال تاسیس «بانک فیلم های ویدیویی در شهرستان کرج» اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تاسیس این مرکز را مقایسه با سیاست های این وزارتخانه اعلام کرد و مرکز مذکور تعطیل شد. حجت الاسلام ذاکری رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کرج در گفتگو با خبرنگاران ضمن اعلام این موضوع افزود: «بر اساس آخرین اعلام اداره کل نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تفسیری در مورد سیاست های جاری در مورد ویدیو انجام پذیرفته و در حال حاضر هیچ گونه مجوزی برای تاسیس این گونه مراکز صادر نخواهد شد.» وی اعلام کرد: موضوع کیفیت استفاده از ویدیو در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و در حال بررسی است و تا قبل از ابلاغ نتایج آن، استفاده از ویدیو و فیلم های ویدیویی جز در موارد آموزشی، علمی و تحقیقاتی در جامعه، جایگاه قانونی ندارد!

مرکز آمار ایران نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ کل کشور را منتشر کرد. مطابق آمارگیری های این مرکز در سال مذکور جمعاً ۳/۳ میلیون بهره برداری کشاورزی وجود داشته است. مجموعه اراضی کشاورزی شامل اراضی آبی، دیم، آیش و باغ و تلیستان به ۱۷/۲

ادعای مجدد ترکیه در مورد حمایت

جمهوری اسلامی

از کردهای مخالف این کشور

وجود پایگاه های حزب کارگران کرد ترکیه (پ.ک.ک) در خاک ایران یکی از موضوعات مورد گفتگوی وزرای امور خارجه ایران و ترکیه در جریان اجلاس اخیر وزرای خارجه کنفرانس اسلامی در استانبول بوده است. این موضوع را سخنگوی وزارت خارجه ترکیه در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد و گفت پس از آنکه هلی اکبر ولایتی مخالفت جمهوری اسلامی با هر گونه ترور را اعلام کرد، ترکیه اخبار و اطلاعات مربوط به

وجود پایگاه های حزب کارگران کرد ترکیه (پ.ک.ک) در خاک ایران یکی از موضوعات مورد گفتگوی وزرای امور خارجه ایران و ترکیه در جریان اجلاس اخیر وزرای خارجه کنفرانس اسلامی در استانبول بوده است. این موضوع را سخنگوی وزارت خارجه ترکیه در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد و گفت پس از آنکه هلی اکبر ولایتی مخالفت جمهوری اسلامی با هر گونه ترور را اعلام کرد، ترکیه اخبار و اطلاعات مربوط به

وحشت و آرزایب در مراسم عاشورا

دستجات قمه زنی مراسم عاشورا در تهران را با رهاب و وحشت همراه ساختند و صحنه هایی بنا به نوشته روزنامه های تهران «مشمزکننده» آفریدند. به گزارش روزنامه های تهران: حرکت دسته های قمه زنی در مراسم تاسوها و عاشورا در خیابان های جنوب تهران اثرات نامطلوبی بر روی مردم به جای گذاشت. در روز عاشورا دسته های متعدد در حالیکه قمه در دست داشتند در خیابان های جنوب تهران به حرکت درآمدند. این گروه ها در حالیکه در میان آنان افراد ملبس به لباس های خون آلود بودند و دستمال های

آشفته به خون بر سر و رویشان مشاهده می شد، به عزاداری می پرداختند. وضعیت آشفته و خون آلود افراد قمه زن در حالی که قمه های کوچک و بزرگ در دست داشتند، صحنه های مشمززکننده ای را در معرض دید هابریین قرار داد به نحوی که برخی از هابریین به ویژه کودکان ۱۳ تا ۱۵ ساله وحشت زده از مسیر این عده می گریختند. روزنامه های تهران بدست های پشت پرده ای که این قمه زن ها را سازمان داده و مراسم عاشورای امسال را به منبع جدیدی از تولید وحشت تبدیل کردند، اشاره ای نداشتند.

زندگی در کپر

یک «منبع آگاه» در استان کهگیلویه و بویر احمد فاش ساخت اهالی روستای نهم دهستان سر نارباب از توابع چرام کهگیلویه که ساختمان های مسکونی اشان سال گذشته بر اثر سیل تخریب شده بود، محل سکونت خود را ترک کرده و آواره شده اند. این منبع که نام و مسئولیت او در روزنامه ها فاش نشده، افزود: نمی باشد.

یک «منبع آگاه» در استان کهگیلویه و بویر احمد فاش ساخت اهالی روستای نهم دهستان سر نارباب از توابع چرام کهگیلویه که ساختمان های مسکونی اشان سال گذشته بر اثر سیل تخریب شده بود، محل سکونت خود را ترک کرده و آواره شده اند. این منبع که نام و مسئولیت او در روزنامه ها فاش نشده، افزود: نمی باشد.

مدارس نمونه!

مشارکت مردم گرفته شده است. در پس این ظاهر، تلاش تازه آموزش و پرورش برای اخذی از مردم را باید جست و جو کرد. هرچند دولت پرداخت رسمی شهریه را ممنوع کرده، اما وزارت آموزش و پرورش به بهانه های مختلف می کوشد، از اولیای دانش آموزان هر چه بیشتر پول دریافت کند.

وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد مداری که در آنها اولیاء دانش آموزان داوطلبانه هزینه های اضافی مربوط به اداره مدرسه را پرداخت کنند به مدارس نمونه تبدیل می شوند. این تصمیم در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش و ظاهر به منظور ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت و ارائه خدمات آموزشی و پرورشی مناسب تر با استفاده از کمک ها و

سر نوشت

دستگیر شدگان

الشرر نامعلوم است

در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی، بسیاری از معترضین به روند انتخابات در شهرهای مختلف توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند. بنا به یک گزارش در این رابطه نزدیک به ۲۰۰ نفر نیز در منطقه الشرر لرستان بازداشت شده اند که مقامات رژیم تاکنون نه تنها از آزادی آنها خودداری کرده اند، بلکه هیچ گونه اطلاعی از سر نوشت آنها در اختیار کسی قرار نداده اند!

جمهوری اسلامی ادعای

جعل دلار های تقلبی را تکذیب کرد

هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، با انتشار اعلامیه ای ادعای مقامات آمریکایی در مورد چاپ دلارهای تقلبی توسط رژیم ایران را به شدت تکذیب کرد. «بیل مک کولوم» نماینده کنگره آمریکا در گزارشی که تسلیم کمیته فرعی ضد تروریستی مجلس نمایندگان آمریکا کرد، مدعی شده بود که جمهوری اسلامی برای به دست آوردن ارز معتبر خارجی میلیاردها دلار اسکناس یک صد دلاری جعل و وارد بازارهای جهانی کرده است. وی هنگام ارائه گزارش خود، با نشان دادن یک اسکناس جعلی گفته بود شباهت نزدیک اسکناس جعلی به دلارهای واقعی نشان میدهد که جاهلین نمیتوانند گروه های قاچاق و زیرزمینی باشند، بلکه دولت پشت سر این ماجرا قرار دارند. وی ادعا کرد ایران و سوریه قبلاً نشان داده بودند که طرح چاپ دلار تقلبی را پیگیری میکردند.

هیات نمایندگی جمهوری اسلامی در بیانیه خود خاطر نشان کرده است که در گزارش «بیل مک کولوم» حتی یک «دلیل و بینه» برای اثبات این ادعا قلم نشده است.

۷۵۰ شرکت دولتی به بخش خصوصی واگذار می شود.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، مرتضوی معاون سرمایه گذاری وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه شورای اقتصاد استان خوزستان اعلام کرد دولت قصد دارد ۷۵۰ شرکت دولتی در سطح کشور را به بخش خصوصی واگذار کند. در گزارش فوق از نوع و مشخصات شرکت هایی که قرار است به بخش خصوصی واگذار شوند، اطلاعی داده نشده است.

در اجلاس فوق استاندار خوزستان نیز اعلام کرد در راستای سیاست دولت مبنی بر جلب سرمایه های خارجی، بزودی هیئت های اقتصادی از سرمایه گذاری از کشورهای همسایه مانند کویت و امارات از خوزستان دیدار خواهند کرد.

رژیم تخریب آونک هارا همچنان ادامه می دهد .

ادامه از صفحه ۱

به گفته مردم محل بسیاری از این خانه ها سند داشته اند . بنا به گزارشات رسیده تخریب آونک ها در تهران و شهرهای دیگر ، از جمله تبریز ، کماکان ادامه دارد . در هر عملیات تخریب ، مأموران شهرداری در پناه انبوهی از نیروهای انتظامی مسلح و آماده برای سرکوب اعتراضات به مناطق آونک نشین یورش می برند . مهم عملیات تخریب بدون اعلام قبلی و غالباً شب هنگام و به طرز وحشیانه صورت می گیرد و لودرهای شهرداری وسایل ناچیز و محقر آونک نشینان را در زیر آوار ساختمان های تخریب شده مدفون می سازند . علیرغم هجوم گسترده نیروهای سرکوبگر رژیم به مناطقی که شهرداری ها قصد تخریب آنها را دارند و محاصره این مناطق و آمادگی برای سرکوب اعتراضات ، مردم در برابر ویرانی آونک هایشان مقاومت می کنند . اعتراضات آونک نشین های اطراف جاده ساوه هم چنین حاشیه نشینان تبریز حکایت از آن دارد که علیرغم آمادگی رژیم برای قلع و جمع هر گونه اعتراضی ، مردم به سادگی تسلیم زورگویی های رژیم نمی شوند . رژیم برای ارباب مردم و زهر چشم گرفتن از آنان به دستگیری های گسترده ای نیز دست زده است . ده ها تن از مردم فقرزده و "مستضعف" که رژیم سرپناهنشان را ویران کرده ، توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده اند .

اقدامات پیگیر و مصممانه رژیم برای انهدام مناطق آونک نشین ، علیرغم اعتراضاتی که هر یک از آنان میتوانند به شورشی تازه بیاورند ، نشانگر آن است که رژیم قصد دارد پدیده آونک نشینی را نیز به شیوه خود ، یعنی به زور ، حل کند . تصمیم به انهدام مناطق آونک نشین ، قبل از آنکه تصمیمی مربوط به شهر داری ها باشد ، تصمیمی است

در ادامه افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز مردم ، قیمت انواع برنج نیز افزایش یافت . بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی انواع برنج داخلی در تهران با توجه به نوبت برنج و درجه مرغوبیت آن بین ۱۳۰۰ تا ۲۱۰۰ ریال به فروش میرسد . قیمت های اخیر در مقایسه با قیمت های اوایل سال که برنج داخلی به بهای ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ ریال بفروش می رسید

افزایش چشمگیری را نشان میدهد . افزایش قیمت برنج داخلی قیمت انواع برنج خارجی از جمله برنج تایلندی ، پاکستانی و اسپانیایی را نیز به میزان زیادی افزایش داده است . افزایش قیمت برنج به وسیله تجار صورت می گیرد و برنجکاران سودی از این افزایش نمی برند . تجار برنج ، برنج را به قیمت های ارزان از برنجکاران میخرند و به چند برابر قیمت به مردم میفروشند . از جمله موارد دیگر گرانی در هفته های اخیر ، افزایش قیمت نوشابه بوده است . بنا به تصمیم شرکت زمزم مغازه داران موظف شده اند نوشابه سرد را به قیمت ۱۰۰ ریال و نوشابه گرم را به قیمت ۹۰ ریال به فروش رسانند . مسئولین شرکت های

رشد سرمایه گذاری در ایران منفی است

دکتر پرویز داودی معاون اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی در مراسم افتتاح سمینار "کنکاش پیرامون مسایل تعدیل اقتصادی ایران" فاش ساخت که علیرغم تمام تلاش های دولت رفسنجانی رشد سرمایه گذاری در ایران منفی است و بخش خصوصی از مشارکت در این امر امتناع می کند . وی تصریح کرد :

"رغم پایین نسبت سرمایه گذاری به ارزش تولید ناخالص ملی کشور و این واقعیت را نشان می دهد که رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی در سه سال اخیر بسیار اندک بوده و اصولاً بخش خصوصی در این پروسه مشارکت فعال نداشته است . " معاون وزارتخانه هشدار داد که ادامه این روند به زودی به افت نرخ رشد تولید منجر خواهد شد . " افزایش تولید ناخالص ملی در سال ۷۰ به میزان ۷/۵ درصد بود ، در حالیکه رشد سرمایه گذاری منفی بود و این نشان میدهد که رشد تولید تنها به دلیل استفاده از ظرفیت های خالی واحدهای تولیدی دولتی رخ داده است و در صورت ادامه این روند ، نرخ رشد تولید نیز کاهش خواهد یافت . " اظهارات دکتر داودی بیانگر آن است که "رشد خصوصی سازی" که یکی از مشخصه های اصلی برنامه اقتصادی دولت رفسنجانی است با موانع جدی و عدم استقبال "بخش خصوصی" مواجه است . در حالیکه منظور از "خصوصی سازی" مشارکت فعالانه بخش خصوصی در فعالیت های تولیدی و جلب سرمایه های آن به سوی سرمایه گذاری و تولید است ، این بخش کماکان ترجیح می دهد که سرمایه های خود را در فعالیت های پرسود تجاری و دلالتی به کار اندازد و بر حجم نقدینگی خود بیفزاید . در همین حال وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی نیز در گردهمایی مدیران اقتصادی کشور جهت دیگری از عدم موفقیت دولت در سرو و سامان بخشیدن به وضعیت نابسامان تولید را فاش ساخت . به گفته وی در حالیکه صادرات کالاهای

کشاورزی در سال گذشته ۱۱۵ درصد و کالاهای سنتی ۱۳۹ درصد جلوتر از برنامه بوده است ، صادرات کارهای صنعتی تنها ۲۶ درصد برنامه را تحقق بخشیده است . امتناع بخش خصوصی از مشارکت در سرمایه گذاری در کنار نیازهای شدید ارزی ، کسری بودجه و منابع مالی دولت را تشدید کرده است . دولت رفسنجانی به خاطر تأمین منابع مالی لازم برای اجرای برنامه اقتصادی اش ، بیش از پیش به سوی اخذ وام و استقراض روی آورده است . دولت حجم قرضه های خود را بپنهان می سازد ، اما گزارشات متعددی مبنی بر افزایش سرسام آور وام های خارجی جمهوری اسلامی منتشر شده است . هفته نامه "پترولیوم گروس" اخیراً گزارشی در مورد افزایش دیون خارجی ایران به چاپ رساند . این هفته نامه نوشت : "فقط بدهی کوتاه مدت ایران ۱۱ میلیارد دلار است و کل دیون خارجی این کشور ۲۱ میلیارد دلار می باشد . موسسه بین المللی سرمایه اخیراً اعلام کرده است اگر بانک مرکزی در مورد تأمین اعتبارها محدودیتی اعمال نکند ، ایران تا اوایل سال آینده میلادی با مشکل جدی بازپرداخت اقساط دیون خود مواجه خواهد شد . " در حالیکه میزان وجوئیات وام های خارجی و شرایط پرداخت و بازپرداخت این وام ها از مردم پنهان نگاه داشته می شود . و دستگاه های دولتی و اجرایی غرق در فسادهای مالی هستند ، وام دهندگان به ایران و تشدید نسادهای مالی دستگاه حکومتی ، نتیجه طبیعی گسترش قرضه های خارجی دولت است . مشکل سرمایه گذاری و تأمین منابع مالی لازم برای اجرای برنامه های اقتصادی که دولت را به سمت استقراض خارجی سوق داده و عدم مشارکت بخش خصوصی در این پروسه یکی از عمده ترین دلایل تشدید بحران اقتصادی در کشور است

بیدادگرانی

جمهوری اسلامی قیمت انواع لبنیات در کارخانه شیر منطقه ای گیلان ۲۰ تا ۷۰ درصد افزایش یافت . تنها در ظرف ۴ ماه قیمت هر کیلو پنیر از ۱۳۰۰ تومان به ۲۲۰۰ تومان و کره از ۲۸۰۰ تومان به ۳۵۰۰ تومان رسیده است . در کرمانشاه قیمت پنیر به کیلویی ۳۰۰ تومان و گوشت ۳۵۰ تومان رسیده است . در همین حال خبرگزاری اسلامی از این استان خبر داد که نرخ خدمات پستی در استان

کرمانشاهان دو بیست درصد دیگر افزایش یافت ، اما پس از مدت کوتاهی به دلایل نامعلوم این تصمیم لغو شد این افزایش بر اساس دستورالعمل جدید شرکت پست صورت گرفت و مطابق آن نرخ نامه سفارشی ۱۳۰۰ ریال به ۴۸۰۰ ریال رسید . هر چند این تصمیم موقتا لغو شده است ، اما مردم کرمانشاه می گویند که نرخ های جدید دوباره به اجرا گذارده خواهد شد . جدا از اخبار رسمی مربوط به افزایش قیمت ها ، مردم هر روزه شاهد نمونه های بسیاری از گرانی هستند که مرکز اعلام نمی شود . به گفته شهروند تهرانی هزینه گاز مصرفی یک ساله ای که سال گذشته معادل ۳۳۰۰ تومان بوده ، امسال به ۲۲ هزار تومان رسیده است . شهروندان دیگر می گویند : شیر خشک کمیاب است و قیمت آن به ۲۶۰۰ تومان رسیده است . کرایه سواری های مسیر شهری - بهشت زهرا به ۲ برابر افزایش یافته است . کرایه مینی بوس های مسیر قنات کوثر فلکه دوم تهران پارس ۴۰ تا ۵۰ ریال گرانتر شده است . در این بیدادگرانی ، دولت مردم را تنها به صبر و آینده نامعلوم دعوت می کند .

کمبود آب و برق زندگی مردم را فلج کرده است

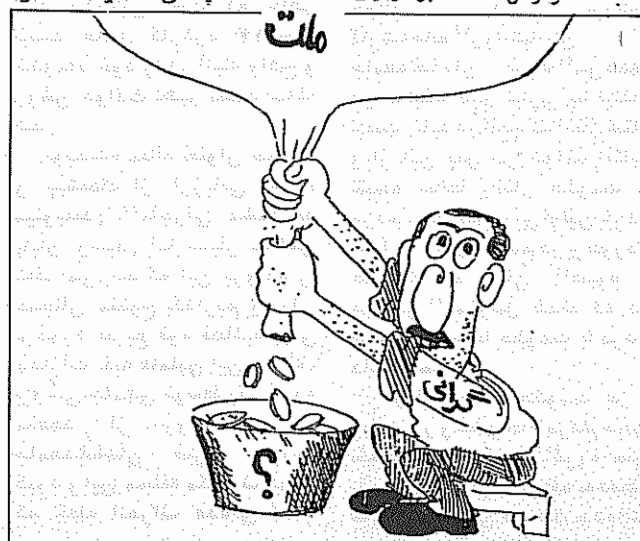
ادامه از صفحه ۱

میشوند . " این شهر بطور کلی فاقد آب آشامیدنی است ، آبی که در لوله ها جریان دارد ، شور و غیر قابل شرب است . صدها فروشنده دوره گرد آب شیرین را به بهای ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال برای هر گالن ۲۰ لیتری به مردم می فروشند و هزینه های بیشتری را بر دوش مردم تحمیل می کنند .

مسئولین و مقامات دولتی جز دعوت به صرفه جویی های بیشتر حرف دیگری در برابر اعتراضات و مشکلات مردم ندارند . معاونت فنی و اجرایی شرکت آب و فاضلاب تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی قطع پی در پی آب را به افزایش مصرف آب ، کمبود تاسیسات و گرمای هوا مربوط دانست و گفت : "مخازن آبی ما (سد کرج و لتیان) پر آب است و خطوط انتقال ما نیز با توان صد درصد کار می کنند . دلایل قطع آب مصرف زیاد آب ، محدودیت ظرفیت انتقال آب و گرمای بیش از حد امسال می باشد . " معاونت فوق بدون اشاره به مسئولیت وزارت نیرو در رفع مشکل آب ، حل این موضوع را به عهده مردم دانست و افزود اگر مردم صرفه جویی نکنند مشکلات ادامه خواهد داشت . و تصریح کرد : "اگر مصرف روزانه شهروندان به همین ترتیب پیش رود و مردم در حدود ۱۰ درصد صرفه جویی در آب نکنند ، مشکلات ما ادامه خواهد داشت . " معاون وزارت نیرو در امور برق نیز با انجام یک مصاحبه مطبوعاتی دلایل خاموشی های گسترده را "افزایش درجه حرارت و انجام امور تعمیراتی و سرویس چند نیروگاه" اعلام کرد و گفت که برای رفع مشکل برق "بررسی های مقدماتی جهت واگذاری بخشهای تولید و توزیع برق به بخش خصوصی صورت گرفته است ولی بخش انتقال برق کماکان در دست دولت باقی خواهد ماند . "

توضیحات مسئولین امور بر نارضایتی های مردم می افزاید . مردم می گویند در حالیکه گرم شدن هوا نیاز به مصرف آب و برق را بیشتر می کند ، دولت گرمای هوا را توجیهی برای قطع آب و برق قرار داده است . بر این نارضایتی ها افزایش غیر رسمی نرخ برق دامن میزند . وزارت نیرو افزایش نرخها را همچنان تکذیب می کند ، معاون این وزارتخانه در مصاحبه خود تصریح کرد : "افزایشی در نرخهای تعرفه مصرف برق کشور در سالهای ۷۰ و ۷۱ صورت نگرفته است . " اما فیشهای برق که بدست مردم میرسد حاکی از افزایش شدید قیمت برق مصرفی است که در برخی موارد وزارت نیرو علیرغم تکذیبهای مکرر افزایش تعرفه ها ، به زمینه سازی برای رسمی کردن افزایش نرخها اقدام کرده است .

افزایش قیمتها و کمبود شدید آب و برق وزنه تازه ای از فشارهای بی پایان اقتصادی و اجتماعی بر دوش مردم نهاده است . برای رفع این مشکلات ، مسئولین هیچ گونه چشم انداز امیدوار کننده ای در برابر مردم مطرح نمی کنند . اکنون که تابستان است مشکل کمبود آب و برق را به گرمای هوا مربوط می سازند و فردا که زمستان فرارسد نیز کمبودها را به سرمای زمستان مربوط خواهند ساخت . در این میان ، مردم همچنان در میان کوهی از مشکلات رها شده اند .



رژیم در سراشیب زوال

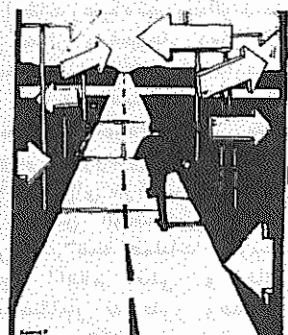
بهزاد کریمی

از سه شورش در سه شهر بزرگ شیراز، اراک و مشهد، پیام‌های بسیاری شنیده شد. از میان این پیام‌ها، یکی از مهمترین‌ها - اگر نگوییم مهمترین - آن بود که کسانی به شورش علیه حکومت برخاستند که تا همین اواخر، رژیم روی آنها به عنوان پایگاه مردمی خود حساب می‌کرد. کسانیکه بخشی از آنها حتی در قالب نهادهای مسلح رژیم، هر چند اندام می‌کردند. در شیراز، هسته اصلی طغیان را جانبازان و بسیجی‌های دیروز تشکیل می‌دادند؛ در اراک، خشم "بچه مسلمان"هایی منبج شد که بسیاری از آنها تا همین چند روز پیش در گروه‌های ضربت رژیم حضور داشتند؛ در مشهد، بشکه باروتی که در کوی طلاب ترکیب توسط موتورسوارانی در خیابان‌های شهر به گردش درآمد که اکثر آنها ویراژ یا موتور رادر دوره‌های آموزش سپاه و بسیج فراگرفته بودند. این وجه مشترک در سه شورش، بازتاب این حقیقت است که تضاد عمیق بین جامعه و حکومت وارد مرحله کیفی تازه‌ای شده است. خمینی با سرهتی که برای از دست دادن پایگاه توده‌های عظیم خود در پیش گرفته بود، در میان رهبران تاریخی دارای نفوذ معنوی فوق‌العاده، برآستی رکورد دار بود. در سراقاز، چند ده میلیون انسان ایرانی او را به عنوان رهبر پذیرفتند و انبوهی از این جمعیت ملیونی حتی تصویر او را در ماه یافتند، اما چندی نگذشت که میلیون‌ها انسان با در شکل اعتراض و مبارزه و پایه گونه اعتراض خموش، به خمینی و حکومت او پشت کردند. با این همه، بخش بزرگی از مردم که خود را "امت" تلقی می‌کردند و حکومت اسلام را می‌خواستند، هنوز با رژیم بودند و پایگاه توده‌ای آن را تشکیل میدادند. و اکنون، مشخصه اصلی انفعال از حکومت در جامعه، ادامه

پرشتاب روند تجزیه "امت" و حتی تقابل عصیان گونه بخش‌هایی مردم افزون تر از "امت" در برابر رژیم و نظامی است که از "رهبر کبیر" به ارث مانده است. تغییر پایگاه رژیم، و هم است. حقیقت، همانا تضعیف قاعده هرم حکومت اسلام است، ترس و هراس رژیم هم هراس همگی آنان از این، هلیر هم وجود واقعی اختلافات و نزاع‌ها در سرن و کادراهی حکومت، زنگ خطری است که گوششان را می‌آزارد و خواب را از چشمانشان می‌رباید. برآه انداختن گردان‌های "هاشورا"، بسیج و آماده باش سپاه، هم برای سرکوب مردم و از جمله بسیجی‌ها و پاسدارانی است که از جبهه "امت" به جبهه مردم تغییر مکان داده‌اند و منهدمند؛ و هم به خاطر آن است که حقیقت مدعش نون الذکر استیبار شود. "لراذل و اوباش" نامیدن مسلمانانی که تا پریروز از حکومت و دیروز با حکومت بودند و امروز بر حکومت از سوی ولی فقیه زمان و دیگر سرجنابان ولایت، فقیه، نعل وارونه زدن را میماند و پس، حکومت به وحشت افتاده است و باز آن می‌ترسد که فرجام راه، علی‌مآلین باشد و حوض او، وجود فلاکت عظیمی که از دهاوار دهان گشوده و مستضعفان مستضعف تر شده را هر چه بیشتر در کام می‌کشد، برای ایجاد تکانه ذهنی در اندیشه ساده توده‌های محرومی که برای مدتی حکومت و قدرت سیاسی را با مفهوم کلی اسلام و آرزوهای مبتنی بر اعتقادات مذهبی خود تعریف می‌کردند، کفایت می‌کند. اکنون، این توده‌های فلاکت زده حکومت را با منافع صریح و روشن طبقاتی تعریف می‌کنند. چنین است مشخصه زوال حکومت که در انتخابات مجلس چهارم به نحوی به نمایش درآمد و در شورش‌های اخیر به طرز دیگری در اولی، به شکل "نه"

"توسعه اقتصادی" در برابر شورش‌های اجتماعی

ف. تابان



جز سران قلدر رژیم کسی این واقعیت را پنهان نمی‌کند که ریشه اعتراضات اخیر در کشور را باید در فقر و تنگدستی روزافزون توده‌های وسیع مردم جستجو کرد. این اعتراضات و نا رضایتی‌ها که در همه جا وجود دارد و در چند شهر بصورتی حاد بروز کرد، دلیل غیر قابل انکاری است که مجموعه تدابیر و سیاست‌های جمهوری اسلامی در طول ۱۴ سال، زندگی مردم را با چنان مشکلاتی مواجه ساخته که تحمل آن از توان خارج می‌شود. اما این تنها یک سوی قضیه است. اعتراضات حاد در گوشه و کنار کشور دلیلی بر آن است که مردم از اصلاح امور به دست قدرتمندان کنونی و چهره به ظاهر اصلاح‌گر آنان، یعنی هاشمی رفسنجانی ناامید شده‌اند. وقتی هاشمی رفسنجانی ۳ سال پیش، قدرت اجرایی را در اختیار گرفت، راه اقتصادی جدا از دولت‌های پیشین، به ویژه دولت میرحسین موسوی در پیش گرفت و برنامه اقتصادی خود را با وعده اصلاحات و بهبود زندگی مردم زینت داد. عناصر اساسی این برنامه اقتصادی که رفسنجانی آثار سیاست "تعدیل اقتصادی" نامید و از آن بعنوان راه "توسعه سریع اقتصادی" نام برد، برچیدن موانع از مقابل فعالیت‌های سرمایه‌داران، تامین شرایط رشد بدون مانع سرمایه‌داری، کاهش و حذف حمایت‌های دولتی، رساندن نقش دولت در تنظیم روابط اقتصادی به حداقل و انتقال فشارهای برنامه‌بازسازی و "توسعه" بر دوش توده‌های مردم بوده و است. برای اجرای این برنامه رفسنجانی ۳ سال است که پیگیرانه میکوشد همه امکانات جامعه را به خدمت اقشار معینی از سرمایه‌داران در آورد، سرنوشت زندگی مردم را تا هر آنجا که امکان دارد به "بخش خصوصی" و میدان خشن رقابت واگذارد،

قانون له کردن ضعیفان توسط اقویا را در همه سطوح بگستراند، مسئولیت دولت در حمایت از اقشار و گروه‌های کم درآمد و تحت فشار را از فهرست وظایف و مسئولیت‌های خود حذف کند و این سیاست ضد مردمی را به نام "اصلاحات" بر جامعه تحمیل کند. رفسنجانی برای پیشبرد برنامه خود از یک "پشتوانه معنوی" معین نیز برخوردار بود، فروپاشی "آردوگاه سوسیالیسم"، حتی بسیاری از طرفداران عدالت اجتماعی را نیز به این نتیجه رساند که کلید همه مشکلات، توسعه سریع و بدون مانع سرمایه‌داری است و هر اقدامی - از جمله برقراری سیستمی از تأمینات اجتماعی - که مانعی بر سر تراخت و ناز توسن نجات بخش سرمایه‌داری باشد، باید در راه "توسعه سریع" قربانی شود. مشابه یک چنین برنامه‌ای، اکنون در بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله و تقریباً تمام کشورهای توسعه یافته متعلق به "آردوگاه سوسیالیستی" سابق نیز با تفاوتی به کار گرفته میشود. در ایران اجرای برنامه توسعه اقتصادی رفسنجانی با حذف پارامترهای بسیار منفی که در برابر دولت گذشته وجود داشت نیز همراه شد. قطع جنگ، پایان تحریم‌های اقتصادی و سپس انزوای سیاسی از جمله عوامل مساعد سود دولت جدید بود. اما کمتر کسی است که امروز در ایران زندگی کند و به شرایط زندگی سه سال پیش خود تمسک نخورد. وضعیت زندگی اکثریت مردم در طول حکومت رفسنجانی نسبت به گذشته با سرهتی غیر قابل باور رو به سقوط گذاشته است. نتیجه حاصله از "معجزه اقتصادی سرمایه‌داری و بازار آزاد" اکنون شبح شورش‌های اجتماعی است که حکومت را در

آنکه بادمی کار دتوفان در و میکند

علی اکبر قنبری

با آنکه مدتهاست که از آشوب‌های شهرهای شیراز و اراک و مشهد می‌گذرد، اما طنین این انفجارها هنوز در فضای جامعه موج می‌زند. آنجا که به حکومت برمی‌گردد، همه رفتار و سکنات آنرا زیر تاثیر خود گرفته است. بسیاری از نقشه‌های آنها را بر هم زده و مجبورشان کرده به آنچه که روی نموده و همه چیزشان را در معرض تجدید قرار داده است، بیاندیشند. بمنابه حکومت به نتایجی که رسیده‌اند خط و نشان کشیدن به مردم و ایجاد رعب و وحشت و نمایش قدرت است. اما در همین حوال و حوش حکومت به مواردی هم می‌توان برخورد که حداقل، تمایل دارد قدری به زمینه‌ها و ریشه‌های آنچه که امروزه "رو" آمده توجه کند

می‌دهد که اگر همشایی مردم و مسئولین در کار نباشد و اگر اقدامات جدی، موثر و بنیادی در برخی زمینه‌ها صورت نگیرد، احتمال تکرار آن حوادث بصورتی دیگر در هر جایی دیگر، چندان غیر محتمل نیست. نویسنده مقاله "واکنشهای شتابزده نخستین سران حکومت را در نسبت دادن شورشها به گروه‌های مخالف و خارجی‌ها، نادرست می‌داند و میگوید "تحقیقات بعدی" نشان داده که "میچگونه دست خارجی و گروه‌های "ناراضی‌مردم" عامل این شورشها و "زمینه مستعد انفجار احساسات مردمی" از جمله در کوی طلاب مشهد است. روزنامه جمهوری اسلامی به "حضور گروه سنی نوجوانان ترکیب سنی ۱۵ تا ۲۵ سال" در این شورشها اشاره می‌کند و آنرا "هشدار دهنده" می‌داند. می‌نویسد "اگر فاصله سالهای انقلاب را از سن این گروه کسر کنیم قاعدتاً این عده در شروع انقلاب بین ۲ تا ۱۲ سال سن داشته‌اند" عبارات دیگر روزنامه جمهوری اسلامی معترف است نیروهای اصلی این شورشها

جوانان و نوجوانانی بودند که پرورده سالهای بعد از انقلاب و همین دوره حاکمیت جمهوری اسلامی هستند. روزنامه در ارزیابی خود به نکات دیگر از جمله "مسئله مهاجرت" و "ناجسه آمیز بودن آثار و تبعات" آن نیز اشاره می‌کند، اما شاید مهم‌ترین نکته این ارزیابی همین اشاره به نقش عده جوانان در این شورشها، باشد. نتیجه‌ای که نویسنده مقاله از این واقعیت می‌گیرد همانطور که گفته شد، نگاه حکومتی است که حاضر نیست حاصل کارکرد ۱۴ سال حکومت خود را در آینه واضح و روشن حوادث نظیر مشهد تماشا کند. نویسنده مقاله بعنوان جمع‌بند و پیشنهاد از ارزیابی خود، می‌نویسد: "ماجرای مشهد به پایان رسید. اما بسیار منطقی بنظر می‌رسد که این پرونده را همچنان مفتوح بگذاریم و بجای برخورد سریع توه قضائیه برای مجازات بقیه حاملین این حادثه، بررسی جامعی توسط یک گروه متعهد از روانشناسان و جامعه‌شناسان خبره، صورت گیرد و این مسئله مشکوف گردد که نقطه انحراف عده‌ای که با

شکستن شیشه‌های یک بانک و هارت یک مقازه و آتش زدن یک اتوبوس، احساس رضایت و آرامش می‌کنند، کجاست؟ آیا این عده از فرصت‌های تربیتی لازم در خانه، مدرسه و اجتماع برخوردار بوده‌اند؟ برآستی چرا عده‌ای دست به شکستن شیشه‌های بانکها و آتش زدن اتوبوسها می‌زنند؟ ریشه این خشونت‌ها و میل به خشونت در کجاست؟ روزنامه جمهوری اسلامی به اینجا که میرسد، آنرا حواله به "کارشناسان روانشناسان و جامعه‌شناسان خبره" می‌دهد. در حالیکه هیچ نیازی به اینکار نیست، باید در آنچه که اتفاق افتاد و از این پس نیز خواهد افتاد، نتیجه سالها رفتار حکومت با مردم را ببینیم. برای اولین بار در طول ۱۴ سال، مردم در برخورد با حکومت به همان "نشیوه و فرهنگی" متوسل شدند که در تمام این سالها حکومت با مردم داشته است. در این سالها حکومت جز با زبان زور و خشونت با مردم سخن نگفته است و این "گروه سنی نوجوان و جوان" لحظه به لحظه شاهد و ناظر این حوادث بوده‌اند.

از جمله به اجتماعات مسالمت آمیز مردم، حمله به دفاتر احزاب و روزنامه‌ها و آتش زدن و انفجار آنها تا کشتار و اعدام دهها هزار جوان و نوجوان بیگناه. آزار و اذیت زنان و دختران مردم و انواع اوباشگری به بهانه‌هایی چون "دفاع از انقلاب" و "دفاع از ارزشهای" اسلامی تا بی‌اهتتایی مطلق به حقوق و مطالبات مردم و زندگی و معیشت آنها. اینها مشخصه اصلی شیوه رفتاری حکومت با مردم بوده است. عبارات دیگر حکومت اسلامی در تمام سالهای عمر خود در جامعه مابذر کینه و خشونت کاشته است. راه‌های قانونی برای دادخواهی و پیگیری مطالبات هم بسته است و طبعاً اگر روزی کار به استخوان رسد - که رسید - چه انتظاری و چه شکوه‌ای که مردم جز آن کنند که حکومت با آنها کرد؟ اگر قرار است ریشه‌های "میل به خشونت در میان عده‌ای" بررسی شود، قطعا این عده آن کسانی‌اند که در این سالها با مردم چنین کردند و این عده کسانی‌اند که مسئولان اصلی این حکومت نیستند. آنها در سالهای حکومت خود باد کاشتنند و حالا توفان درو می‌کنند.

پیامد مخرب يك بازی نسنجیده

نگاهی به تحولات ماه های اخیر افغانستان

مصطفی اکبری

اختلافات درونی حزب وطن و محافل حاکمه سابق افغانستان در آخرین ماههای حکومت آنها خورد. تاثیر این یکی و پیامدهای ناگواری که بجا گذاشت کمتر از رفتار منفی دولت امریکا در یکی دو سال اخیر نبود. شبه کودتایی که در آخرین روزهای حکومت نجیب و در شرایطی که او برای کناره رفتن از قدرت بسود طرح سازمان ملل اعلام آمادگی کرده بود، علیه وی صورت گرفت، همه معادلات پیرامون افغانستان را برهم زد. برکناری نجیب اله خلای را بوجود آورد که نه طراحان شبه کودتا توانستند آنرا برکنار کنند و نه طرح نیمه کاره سازمان ملل. تاکنون اطلاعات و گزارشات چندان دقیقی از جزئیات و چند و چون شبه کودتایی که از سوی اطرافیان نجیب علیه او و در واقع در همان ماه علیه طرح صلح سازمان ملل به اجرا درآمد، بدست نیامده است، اما سرآغاز ماجرا به چندین ماه پیش و به زمانی بر میگردد که تحولات داخلی اتحاد شوروی منجر بدان شد که مسکو بویژه پس از روی کار آمدن یلنسن از پافشاری پیشین خود در پشتیبانی از نقش نجیب اله و حزب وطن در مذاکرات صلح تا برکناری انتخابات در افغانستان دست برداشت. این مسئله در شرایطی که رهبران و مقامات سابق افغانستان بیش از پیش در فرآوردی که بر اساس طرح صلح سازمان ملل آغاز شده بود، در فکر آینده خود بودند، موجب بروز اختلافات تازه و سرپاز کردن دوباره اختلافات کهنه میان آنها شد. نجیب که دیگر در نظر اطرافیان فاقد آینده و مهره سوخته ای بیش نبود، برای کناره گیری از قدرت تحت فشار قرار گرفت. شورشی شبه نظامیان تحت فرمان عبدالرشید دوستم مستقر در شمال

بود، در برابر تعجب همگان سناریوی شوم و مخرب که از درون اطرافیان دکنتر نجیب سر برآورد و به اجرا درآمد، این تلاشها را ناکام گذاشت و سیر حوادث افغانستان را در مجرای انداخت که در این سه ماه شاهد آنیم. در حقیقت در آنچه که امروز بر افغانستان میگذرد، در کنار دیگر عوامل و ریشه ها، ردپای آثار و پیامدهای مخرب این سناریو را نیز باید دید:

این درست است که باید ریشه مصائب ۱۴ ساله مردم افغانستان را در بلاهت سیاسی حاکمان وقت شوروی دید. زیرا که اگر مداخلات آنها نبود چه بسا افغانستان بدور از نجیب می ماند که در طول این ۱۴ سال بخود دید. اما نباید از کنار عوامل و مسئولیتهایی نیز بسادگی گذشت که در مقطعی با تخریب اوضاع و چرخش حوادث در بحران افغانستان نقش جدی داشته اند. به عنوان مثال دولت امریکا هر اندازه هم بخواهد در توجیه سیاستها و رفتارها در برابر افغانستان در پشت سیاست "مقابل با توسعه طلبی شوروی" پناه بگیرد، نمی تواند از بار مسئولیت خود از دامن زدن به بحران افغانستان در دو سه سال اخیر شانه خالی کند. با آنکه قوای شوروی خاک افغانستان را ترک کرده بود و دولت افغانستان خواستار آتش بس و مذاکره و مصالحه با مخالفان خود بود، دولت امریکا به همراهی پاکستان و عربستان با خرج میلیونها دلار پول و ارسال انبوه تجهیزات نظامی به شورشیان افغان روی سقوط حکومت نجیب اله از طریق تشدید جنگ، سرمایه گذاری کردند که یک نمونه آن جنگ خونین جلال آباد بود که ۱۲ هزار نفر کشته بجای



افغانستان علیه دولت نجیب بخشی از این فشارها بود. نجیب متحم به این بود که بفکر خود و نجات آینده خویش است و با اصرار بر باقی ماندن در مقام خود مانعی در برابر کوششهای صلح جویانه است. اما وقتی نجیب برای کناره گیری از مقام خود و انتقال قدرت به یک شورایی موقت اعلام آمادگی کرد، اقدام اطرافیان نجیب برای برکناری او - آنهم زمانی که تنها دو هفته به موعد اعلام شده از سوی نجیب برای کناره گیری از قدرت باقی مانده بود - نشان داد که طراحان این شبه کودتا بسیار بیشتر از نجیب به فکر خود و نجات آینده خویشند. اطرافیان نجیب در آخرین روزها - طاهرا اسیر این و سوسه می شوند که برکناری نجیب توسط خود آنها - قبل از آنکه نجیب

گذاشت. آیا پاسخ این فاجعه را هم باید شورویها بدهند؟ یا جلوتر و در همین اواخر که معادلات سابقا حاکم بر جهان کاملا تغییر یافته بود و نه از "خطر شوروی" خبری بود و نه حتی از خود شوروی، دولت امریکا تا آخرین لحظه به برکناری نجیب اله از قدرت پافشاری کرد. تنها به این بهانه که او باز مانده ای از سابق بود روزگاری مورد حمایت شورویها، هیچ منطقی بجز انتقام جویی کور، زاهدانه ای این رفتار امریکاییها نبود. مقامات کاخ سفید از طای حس انتقام جویی خود را به هر گونه تعقل در باره آینده افغانستان و مردم محروم و مظلوم آن ترجیح دادند. بخش بزرگی از حوادثی که امروز در افغانستان میگذرد نمی توانست پیش از این بر دولت امریکا پوشیده باشد. آیا آنها حکمتیارها، سیافها، و ربانیها را نمی شناختند؟

در جریان جنگ خلیج فارس دولت امریکا با تمام حیثیت و توان نظامی خود و متحدانش وارد کارزار شده بود. هیچکس فکر نمی کرد که امریکا با صدام از در مهادت برآید. اما وقتی که متوجه شد "سقوط صدام - موجودی چون صدام - آینده عراق را در برابر مخاطرات جدی قرار می دهد" بلافاصله دست از ادامه جنگ - که آموخته دیگر، متوجه سرنوشتی صدام حسین بود - برداشت. اما چرا دولت امریکا در بحران افغانستان چنین ملاحظاتی را رواندخت؟ شاید اگر افغانها نیز دارای ذخائر سرشار نفت و یا صاحب ثروتی دیگری بودند، حتما "مناافع امریکا" با آنها هم امتداد می یافت و مانع از آن می شد که دولت امریکا با آینده افغانستان این چنین لاتیدانه رفتار کند.

ادامه از صفحه ۹
 ۱۱- و. لنین، "نامه" خدا حافظی با کارگران سوئیس جلد ۳۱، صفحه ۹۷-۹۲.
 ۱۲- همانجا صفحه ۹۳.
 ۱۳- و. لنین، "گزارش درباره وظایف حاکمیت شورواها" جلد ۳۵، صفحه ۲-۳.
 ۱۴- و. لنین، "ورشکستگی تجدید کننده و طرز مبارزه بان" جلد ۳۴، صفحه ۱۹۱-۱۵۱.
 ۱۵- و. لنین، درباره بجگی و خرده بورژواگرانی "چپ"، جلد ۳۴، صفحه ۲۸۳-۲۲۴ و هم چنین و. لنین، در ماده مالیات بر مواد خوراکی، جلد ۴۳، صفحه ۲۱۹.
 ۱۶- "پراودا" ۲۲ آوریل ۱۹۹۱.
 ۱۷- نامه "مردم"، شماره ۳۹۶، ۱۷ دی ۱۳۷۰.

خود کنار برود - و وا داشتن ارتش به همکاری با "مجاهدین میانه رو" هم موقعیت آنها را در آینده افغانستان تضمین خواهد کرد و هم "مجاهدین میانه رو" را در مقابل گروههای افراطی چون حکمتیار تقویت خواهد کرد. این فکر آنقدر قوی بود که همه سران دولت و ارتش بجز نجیب را فراموش کردند. بنا بر این با هجله راه برای پیشروی سریع نیروهای احمد شاه مسعود بطرف کابل باز می شود، پادگانهای در مسیر راه و پایگاه هوایی بگرام یکی پس از دیگری در اختیار نیروهای تحت فرمان شاه مسعود قرار میگیرد بطوریکه در فاصله چند روز همه چیز برای نجیب به پایان می رسد و او ناگزیر از ترک کاخ ریاست جمهوری و پناه بردن به دفتر سازمان ملل در کابل می گردد.

شورای مرکزی حزب وطن در نخستین بیانیه خود پس از برکناری نجیب اعلام می کند: "مانع اصلی صلح (نجیب) از بین رفته و همه چیز برای صلح آماده است" اما کسی آن را باور نمی کند. در عوض امیدها و خوشبینیهای محافل بین المللی نسبت به کوششهای سازمان ملل برای حل و فصل مسالمت آمیز بحران افغانستان بلافاصله جای خود را به نگرانی از شکست این تلاشها و درگیر شدن افغانستان در یک جنگ داخلی خونین دیگر می دهد. از جمله پطروس فالی دبیر کل سازمان ملل بلافاصله نسبت به این تحولات در افغانستان ابراز نگرانی می کند.

عبدالوکیل وزیر خارجه پیشین افغانستان که پس از برکناری نجیب اله به عنوان سخنگوی گروه برکنار کنندگان نجیب مطرح بود در اولین مصاحبه اش اعلام کرد: "نجیب برکنار شده و قدرت در دست است. شورای ۴ نفره قرار گرفته است و این شورا قدرت را به شورای حکومتی تعیین شده از سوی سازمان ملل تحویل خواهد داد." اما درست همانموقع - و شاید ساعتهای بعد و در جواب آقای عبدالوکیل - رهبران بسیاری از گروههای شورشی اعلام کردند: "با فروپاشی دولت کابل دیگر مبنایی برای طرح صلح سازمان ملل نمانده است".

به این ترتیب با اقدامی که با داهای "نجات صلح" صورت گرفت، یگانه راه ممکن برای فیصله نسبتا کم در دتر بحران افغانستان بسته شد و معضل افغانستان وارد مرحله تازه و فاجعه های تازه تری گردید. اهمیت طرح صلح سازمان ملل در آن بود که هم مشارکت همه طرفهای افغانی را در فرآورد صلح تامین میکرد و هم خود سازمان ملل بعنوان تنها میانجی صالح در تمام مراحل اجرایی آن تا برکناری انتخابات حضور داشت بدون این میانجیگری با توجه به انواع تعلقات قومی و قبیله ای در میان دهها دسته و گروه افغانی، تعلق خاطر یا وابستگی آنها به مراکز قدرت در منطقه و اختلافات ریشه دار مابین آنها، امکان دستیابی به تفاهم ملی اگر ناممکن نباشد، بسیار سخت و دشوار بوده و با مخاطراتی همراه است که براحتمی می تواند به جنگ داخلی طولانی مدت و تجزیه افغانستان منجر شود.

از قرار معلوم طراحان شبه کودتا علیه نجیب عاجز از درک این نکته بودند که پشتیبان همده و قابل محاسبه طرح صلح سازمان ملل در صحنه واقعی کشمکشها، دولت افغانستان و نیروی نظامی پشتیبان آن بود. قبل از همه وجود و حضور این نیرو بود که گروههای شورشی و حامیان آنها را وادار به تمکین به کوششهای سازمان ملل کرده بود. حضور قدرتمند این نیرو در حکومت طی سه سال بعد از خروج قوای شوروی و اطمینان انکارناپذیر آن رابه شورشیان و حامیان آنها ثابت کرده بود. اما گویا در این میان تنها برخی محافل خام اندیش در رهبری حزب وطن و دولت سابق افغانستان آنها را درک نکرده بودند. اطرافیان نجیب به جای حراست از این امکان و حفظ یکپارچگی خود و قرار گرفتن در پشت کوششهای سازمان ملل و تضمین موقعیت آن - که در همین حال تنها راه تضمین موقعیت آنها در آینده افغانستان بود - با دست خود آنها را هم پاشاندند. ساده اندیشی و نیز انتقام جویی بر پایه اختلافات کهنه در میان اینها، مانع از آن شد که مردم افغانستان از یک شرایط کاملا مساعد برای پایان دادن به رنج ۱۴ ساله شان بهره گیرند.

سوسیالیسم چیست؟

۱۱- و. لنین، "نامه" خدا حافظی با کارگران سوئیس جلد ۳۱، صفحه ۹۷-۹۲.
 ۱۲- همانجا صفحه ۹۳.
 ۱۳- و. لنین، "گزارش درباره وظایف حاکمیت شورواها" جلد ۳۵، صفحه ۲-۳.
 ۱۴- و. لنین، "ورشکستگی تجدید کننده و طرز مبارزه بان" جلد ۳۴، صفحه ۱۹۱-۱۵۱.
 ۱۵- و. لنین، درباره بجگی و خرده بورژواگرانی "چپ"، جلد ۳۴، صفحه ۲۸۳-۲۲۴ و هم چنین و. لنین، در ماده مالیات بر مواد خوراکی، جلد ۴۳، صفحه ۲۱۹.
 ۱۶- "پراودا" ۲۲ آوریل ۱۹۹۱.
 ۱۷- نامه "مردم"، شماره ۳۹۶، ۱۷ دی ۱۳۷۰.

پاخوانندگان

«مانسلی هستیم که میبایستی فناگردیم»

جوانان ایران در وضعیت کاملاً نامتعادلی بسر می‌برند. بی‌توجهی به عدم تعادل روحی و فکری آنان و نیز اثرات آن می‌تواند لحاظ روانشناسی اجتماعی و حتی تولیدنسل، عواقب ناگواری بمرام داشته باشد.

آیا تکان دهنده نیست وقتی می‌شنویم که ۹۰ پسر جوان در یک بزم در اهواز با هم پیوند زناشویی می‌بندند؟ (سرحدی زاده نماینده تندروی مجلس و وزیر سابق کار - روزنامه جهان اسلام - پنجشنبه اول اسفند ماه ۱۳۷۰). و یا اینکه بگزارش روزنامه جمهوری اسلامی دانش‌آموز ۱۹ ساله‌ای در تهران در پی خودداری مدیر مدرسه از تسلیم پرونده وی، تعدید خودکشی می‌کند و ماجرای خودکشی این دانش‌آموز که به گفته مدیر مدرسه سابقه ۲ سال مرزودی و ۱۰۶ ساعت غیبت داشته با موافقت مدیر مدرسه با شرکت وی در امتحانات خرداد پایان می‌یابد؟

بجز اقدام رژیم در سرکوب سیاسی که منجر به مهاجرت طیف گسترده‌ای از مردم به خارج از کشور شد، فشارها و تنگناهای فکری، روحی، فرهنگی و... نیز گروه بزرگی از جوانان را به آوارگی کشاند. حکامی که بیش‌تر مانده مدتی است از ایرانیان رانده شده به خارج از کشور می‌خواهند که به کشور خود بازگردند، آیا هرگز حاضرند به این سوال پاسخ گویند که چه کسانی باعث درگیری خیل عظیمی از ایرانیان و خصوصاً جوانان میهن شده‌اند؟ مهاجری که با هزاران وابستگی و دلبستگی، ترک وطن کرده‌اند البته بجز بازگشت به کشور خویش است. زندگی انبوهی از آنان که در دیار غربت در پی کسب توشه فکری، تخصصی و فنی بوده‌اند هستند که در میانشان موفق کم نیست. گویای این حقیقت است که آنان صرفاً در پی پاسخی به نیازهای فردی که بجزکرانه‌بخشی به راه دیگری نیز بوده‌اند هستند. مطلب زیر بخشهایی از نامه تکانه‌مند یک جوان ایرانی به برادرش می‌باشد که در پی فشارهای روزافزون فکری، روحی و اجتماعی جلای وطن

نموده و در کشوری بی‌ثبات به انتظار آینده‌ای بی‌ثبات تر می‌باشد. این نامه پاسخی است به اصرار برادر بزرگتر (که خود نیز از سپاه رانده شدگان از وطن است) به بازگشت او به کشور. اگر در انکار و سخنان سیاست‌گذاران رژیم جمهوری اسلامی ذره‌ای صداقت و احساس مسئولیت وجود دارد به محتوای چنین نامه‌هایی بیشتر بیندیشند: «دست از طلب ندادم تا کام بر من آید یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید»

اسلام به شما عزیزان!... قبل از ذکر هر مسئله‌ای لازم به توضیح است که فشار روحی و روانی دهه اخیر بر مانسلی جوان برای هیچیک از اشخاصی که خارج از این گود بوده‌اند قابل درک نبوده نیست. بایستی در آن شرایط زیست تا دریافت و فقط همین. اوج سنین تلاش، نبوغ و تحرک را در یک کود و خلافت‌دیده‌سیر بردن و سازش کردن، عدم ارتباط عاطفی با دیگر اقشار جامعه و همچنین خانواده، عدم ثبات در برنامه‌ریزی، عدم اعتماد به نفس، اطلاع از عواقب زندگی این نسل که حتی خود حق انتخاب زندگی و نحوه اجرا آنرا ندارند، بسر بردن در حداقل امکانات زیستی و محیطی، تمام‌آباد شخصیت این نسل چنان تأثیری در گذارده که تغییرات بنیادینی در آنها بوجود آمده است. تمامی ارزشهای این نسل، از طرف ضدارزش خوانده می‌شود. بنظر من ما مانسلی هستیم که می‌بایستی فنا گردیم زیرا والدین ما همواره به اقتضای شرایط سنی و فرهنگی خود سازش‌پذیر بوده‌اند و با توجه به بافت زندگی پیشین خود، مشکلات ما را درک نمی‌کنند. کودکان ما نیز در دامان خانواده‌ای بنام جامعه شکل می‌گیرند و بقول معروف بچه‌های انقلابند، بنابراین نقطه مسئله سازش با محیط برای ما «نسل مابین» مطرح است. آثانی که مبارزه پی‌گیر علیه این فضا پرداختند در نیمه اول دهه انقلاب تار و مار شدند و مابقی مجبور به سازش، جوانان برای رهایی از این عذاب روحی به تفریحات ناسالم

پرداختند. کشش این مسئله تا بحدی بوده که هم‌اکنون بعنوان یک معضل حاد در جامعه مطرح است. از طرفی همین مسئله چه از لحاظ سیاسی و چه جهات دیگر به سود جناح حاکم بوده و تاچندی قبل خود بطور غیرمستقیم به ترویج آن کمک می‌کرد. از جوانانی که ده سال از بهترین سنین عمر خود را در جنگ، کشتار، اهتداد، ناسا دخالتی و مشاغل کاذب گذرانده‌اند و با این سیستم خو گرفته‌اند چه تصویری می‌توان داشت. به اتکالی تجربه می‌گویم اکثریت جوانان ما آسایش فکری ندارند. امنیت روحی و روانی ندارند. نهایت زندگی این نسل چه خواهد شد؟! برای من جامعه اخیر همواره دافعه بوده است. محیط خانواده نیز همانطور. بنابراین ورای مسائل مادی به چه امید و هدفی به آن فضا برگردم؟ فقط به این دلیل که وطن من است؟ قصد من توجیه (کشور کنونی) نیست. قصد من فرار از ایران است. شرایط برای من به هیچ وجه قابل تحمل نیست. فشارهای روحی و روانی و انگیزه‌های آن بحدی بوده که من در این سن دچار ناراحتی قلبی شدم و مدتی تحت درمان بودم. تقریباً تمامی جوانانی که در ایران بسر می‌برند با یک چنین مشکلاتی مواجه هستند. یک مورد آن اینکه فقط ۷ نفر از دوستان خود من در عرض سال گذشته ایران را ب قصد کشوری نامعلوم ترک گفته‌اند.

از این رو حتی در این کشور بی‌فرهنگ، بی‌تمدن و بی‌ثبات از لحاظ جسمی و روحی و روانی در آسایش بیشتری نسبت به ایران هستیم.

حتی تصور بازگشت به آن شرایط نیز برایم مقدور نیست. بنابراین در اینجا می‌مانم و من برخلاف تو نه تنها صد درصد مطمئن به شکست در این کشور نیستم بلکه قطعاً می‌توانم گلیم خود را از آب بکشم. نه اینکه می‌توانم بیرون مجبورم و راهی جز این ندارم و به همین خاطر تلاش می‌کنم. با امید روزی که خبر این موفقیت را نه تنها بتو بلکه به خانواده نیز بدهم و بتوانم باعث دلگرمی شما و ایشان بگردم.

ر. خراسانی

این مطلب توسط یکی از رفقا برای نشریه ارسال شده است که طبق تعهدی که پذیرفته بودیم، بخش‌هایی از آن را در زیر درج می‌کنیم:

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزار گردید، کنگره گروه کار داخل را منحل و قطعنامه‌های کوتاه خطاب به فعالین داخل کشور صادر کرد. بدین ترتیب کنگره نقطه عطفی شد در پیرویه شکل‌گیری سازمان به عنوان یک سازمان مهاجر. متأسفانه با این موضوع هم مانند اغلب مسائل برخورد غیرفعالیت شد و در نشریه سازمان مورد بحث ترانگرت.

در مورد ضرورت فعالیت و مبارزه در داخل کشور با قطعنامه‌های کنگره زاویه دیدی ندارم. حق مطلب در پیام به اعضا و هواداران ادا شده است.

چرا رهبری سازمان به اعلام رسمی قطع ارتباطات با داخل کشور رسید؟

در اینجا سعی خواهیم کرد نظری گذرا به عملکرد رهبری سازمان در مهاجرت داشته باشیم و در کل به چگونگی حیات رابطه خارج و داخل کشور بپردازیم. مهاجرت به خارج از کشور امری نبود که به خواست نیروهای انقلاب در کل صورت گرفته باشد، بلکه نتیجه سرکوب وحشیانه آنها توسط رژیم ضد بشری - مذهبی دیکتاتوری جمهوری اسلامی بوده است.

نیروهای انقلابی کشورمان از تاریخ آموخته بودند و یا بهتر بگویم می‌بایستی می‌آموختند که قطع تماس با مردم، یعنی قطع شاخکهای حسنی سازمان‌های سیاسی می‌تواند به بیگانگی از جامعه منجر گردد، که این هم به معنی پوچی و مرگ آنها خواهد بود. چرا که آنها هر چه بوده‌اند و داشتند از مردم بوده است. اشاره‌ای به تجربیات تاریخی شد، اگر بخواهیم مقایسه‌ای اجمالی بین مهاجرت پس از سال‌های ۳۲ و مهاجرت در سالهای همدتا بعد از ۶۱ - ۶۰ کنیم، باید اعتراف کرد که ابعاد فاجعه بسیار وسیع‌تر است. مهاجرت در سال‌های اخیر با سال‌های پس از ۳۲ قابل مقایسه نیست و اگر بعد از انقلاب بهمن ۵۷ عمده نیروهای سیاسی مهاجر به کشور بازگشتند، اینبار اگر مقاومت کینی که همدتا متوجه نیروهای چپ مهاجر می‌باشد، اینست که اگر در آن سالها نبود حزب توده و بحران ماوتسیم به تولد سازمان‌های چپ نوینی چون

سازمان چریک‌های فدایی خلق منجر گردید، امروز نبود دراز مدت نیروهای چپ در شرایطی که از به زیر سوال رفتن ایده کمونیسم و ایدئولوژی مارکسیسم ناشی شده، موضوعیت امکان فعالیت چپ با هویت را به زیر سوال خواهد برد.

امروز برای ما منفی بودن مهاجرت و تأثیرگذاری روی تمام مرصه‌های زندگی نیروهای سیاسی موضوعی است روشن. به جرات می‌توان گفت به هلت عدم وجود این رابطه حیاتی با جامعه مان، به دلیل عدم آگاهی کافی به قانوندهیهای مبارزه در جامعه مان هم‌اکنون با معنی این نیروها به خطر افتاده و پوچی و می‌رایی آنها را جدا مورد تعدید قرار داده است.

همانطور که گفته شد، بدون شک مسئولیت جدایی نیروهای مهاجر در کل از جامعه به عهده آخوندهای حاکم است. ولی اگر به برخورد نیروهای سیاسی با مهاجرت برگردیم، راستی کارنامه برخورد رهبری جنبش، به طور مثال رهبری سازمان اکثریت قابل تبلیغ است؟

متأسفانه تا آنجا که به سازمان فدائیان اکثریت مربوط می‌شود، به نظر من نه تنها این کارنامه قابل تبلیغ نیست، بلکه لکه‌های سیاهی هم در آن دیده می‌شود، که باید مورد بررسی قرار گیرند. (شخصاً منظور چگونگی رهبری از خارج کشور و نتایج آن می‌باشد)

به طور مختصر به برخورد رهبری گذشته سازمان (رهبری بعد از مهاجرت منظور است) پرداخته و نتایج آن را مورد بررسی قرار دهیم. مسلمانان اینجا هدف برخورد به تک‌تک رهنمودها و پیام‌های رهبری بعد از ضربات (۶۲ - ۶۱) تا به امروز نیست. امیدوار بودیم که حداقل به عنوان تلاشی برای جمع‌بندی تجارب مبارزات داخل کشور، کنگره‌های سازمان با این مسئله برخورد کنند ولی متأسفانه امید واهی بود. در هر حال به نظر من یکی از وظایف اعضای رهبری گذشته که هر کدام مسئولیتی در هدایت باقیمانده نیروها در داخل و ارتباط خارج و داخل داشتند، برخورد فعال با این مسئله است. به جای پرداختن به زندگی شخصی بایستی که تاکنون کمسپونی تشکیل می‌شد و به سوالاتی که سالهاست ذهن اعضا و هواداران و مردم و دیگر نیروهای سیاسی را به خود مشغول کرده پاسخ داده می‌شد. هر چند که اغلب این افراد دیگر مسئولیتی ندارند ولی آنها کماکان

مازیب‌ترین عشق را با کینه تنها گذاشتیم

مسئول پاسخگویی به این سئوالات هستند! حداقل رهبری فعلی سازمان بایستی مجموعه‌ای از تجارب آنها را در اختیار داشته باشد. هل ضربات بیایی به سازمان چه بوده است؟ رهبری چه نقشی در خنثی کردن توطئه کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی از خود ایفا کرد؟ نحوه ارتباطات خارج و داخل چگونه به ضربات جدی بر پیکر سازمان انجامید؟ و...

امروز سوال مطرح است که چرا آن زمان قطعنامه توقف هرگونه فعالیت از طرف کمیته مرکزی و هیئت سیاسی پر قدرت آن وقت صادر نشد؟ آیا آن زمان این رفقا از خطر ارتباطات اینچنانی خارج از کشور با داخل مطلع نبودند؟ غیر از آن بود که کشمکش قدرت در هیئت سیاسی و کمیته مرکزی، با اهمیت تر از داخل کشور تلقی می‌شد؟ و یا پز رهبری سازمانی که در خارج و داخل نیرو دارد و مطرح است، با اهمیت تر بود؟

برای من که امکان دیدن مسائل داخل کشور و خارج از کشور را داشتم و به نوعی در ارتباط این دو قرار گرفته بودم، آن لحظات زجرآور و دردناک بودند، چرا که از طرفی رقابتی را در داخل می‌دیدم که با تمام فشار وحشتناک رژیم از رهبری خواستار رهنمود بودند، و هنوز حتی فعالیت تبلیغاتی خود را هم ادامه می‌دادند. چرا که میدیدم که قسمتی از محلات شهری ضربه خورده و محلات دیگر همان شهر خبری از موضوع ندارند و از اقدامات رهبری برای بازگشت به کشور جویا می‌شدند، از چگونگی سازماندهی در خارج و از طرف دیگر بی‌مسئولیتی هیئت سیاسی و کمیته مرکزی، بی‌اعتنایی به مسائل داخل، ضربه به تشکیلات خارج و اختلالات جناحی رهبری و محور قرار گرفتن آن را.

رفیق نگهدار در مقاله خود در کار شماره ۲۹ به حق نوشته‌اند که: «بسیاری امروز شرط و شروط می‌گذارند و حتی در این گفته که میل بازگشت دارند صادق نیستند» ولی رفیق اشاره نمی‌کند که چه‌ها با این افراد آن چنان صادق دیروزی زفته، که امروز اینگونه صادقانه شده‌اند؟ آری گروه کار داخل کژدار و مریز، مهاجر از هرگونه حرکتی گو در راه کنگره دوم رساند. و این کنگره دوم بود که راحت‌ترین راه حل را برگزید. پایان این سرگذشت فم‌انگیز را در قطعنامه‌ای به سازمان اعلام کرد.

با اشتراك «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

| | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|
| <p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> | |
| <p>بجای اشتراك نشریه کار</p> | |
| شش ماهه | یکساله |
| اروپا | ۴۵ مارک |
| سایر کشورها | ۵۲ مارک |
| <p>۹۰ مارک</p> | |
| <p>۱۰۴ مارک</p> | |
| <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p> | |
| <p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> | |
| <p>حساب بانکی: M.ABD</p> <p>NR_35263011</p> <p>37050198</p> <p>کد بانک: Stadtparkasse Köln GERMANY</p> | <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810</p> <p>5100 Aachen GERMANY</p> |
| <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p> | |

سی سالگی ماهواره و چشم انداز "دهکده جهانی"

سی سال پیش یعنی در روز دهم ژوئن ۱۹۶۲ (۲۵ خرداد ۱۳۴۱) آمریکا نخستین ماهواره ارتباطات راه دور به نام "تله استار" را به فضا پرتاب کرد. این ماهواره کره‌ای شکل ۸۸ سانتیمتر قطر و ۳۶۰۰ سولول (Solarzelle) داشت. سه سال بعد نخستین ماهواره تجاری به نام "اینتل زات یک" یا "ارلی برد" در مدار زمین قرار گرفت. این ماهواره توان نسبتاً کمی داشت، به گونه‌ای که در یک زمان تنها قادر به برقراری ۲۴ تماس تلفنی میان اروپا و آمریکا بود. اینتل زات اما روز به روز پیچیده‌تر و مجهزتر شد به گونه‌ای که اینک پیشرفته‌ترین نمونه آن یعنی اینتل زات ۶ به عنوان پرتوان‌ترین ماهواره ارتباطی می‌تواند در آن واحد مخابرات ۲۴ هزار تماس تلفنی، تلکس، داده‌های کامپیوتری و سه برنامه تلویزیونی را امکان‌پذیر سازد. سال ۱۹۶۷ بری اولین بار به

جای تکرار کننده‌ها (دکل‌های مخابراتی) نیز استفاده میشود. کانال‌های فرعی ماهواره‌ها در زمینه مخابرات کامپیوتری، هدایت کشتی‌ها و هواپیماها و برای کمک به شبکه‌های تلفنی ضعیف کاربرد دارند. با انجام تغییر در قوانین ارتباطات ماهواره‌ای در چهارچوب جامعه مشترک اروپا یک زمینه بکر دیگر برای فعالیت‌های اقتصادی پدید خواهد آمد. کنسرن آمریکایی "موتورولا" هم اکنون در تدارک آن است که پس از تغییر قوانین موجود از رهگذر بکارگیری ۷۷ ماهواره خصوصی یک سیستم ماهواره‌ای به نام "ایریدیوم" (Iridium) ایجاد کند که با استفاده از آن مردم کشورهای مختلف می‌توانند برنامه‌های تلویزیونی کشورهای دیگر را مشاهده کنند. بدینسان ظاهراً تا تبدیل کره پهناور زمین به یک "دهکده جهانی" زمان چندانی باقی نمانده است.

الجزایر و رهبری جدید

نجات علیرقم ضرباتی که اخیراً خورده است، خود را به طور پنهانی تجدید سازمان داده است. به نوشته هفته نامه آلمانی اشپیگل، این جبهه پیشتر یک کمک را از تهران دریافت می‌کند. این هفته نامه می‌نویسد جمهوری اسلامی از طریق سودان و صحرای لیبی به تروریست‌های جبهه نجات که به کوه‌های الجزایر گریخته‌اند، اسلحه می‌رساند. اشپیگل شمار طرفداران جبهه نجات را که در جنگ با نیروهای شوروی در افغانستان کارآموده شده‌اند، ۲۸۰۰ نفر برآورد می‌کند. این نشریه خاطر نشان می‌سازد که درجات پایین افسران و نیز سربازان وظیفه الجزایری حیظه نفوذ بنیادگرایان است.

آیا الجزایر در برابر یک دوره جدید از خشونت قرار گرفته است؟ ژنرال خالد نزار وزیر دفاع این کشور پس از قتل بوضیاف تاکید کرد ارتش قصد تصاحب قدرت را ندارد و به مشی اصلاحات بوضیاف وفادار است. نزار افزود: "الجزایر از مسیر دموکراسی خارج نخواهد شد." پس از بوضیاف، ریاست شورای دولتی الجزایر برعهده علی کافنی یکی دیگر از چهره‌های جنگ استقلال الجزایر و رئیس

طی نامه سرگشاده‌ای به یلتسین که در پروا انتشار یافت، نوشت: "کمینه وضعیت فوق‌العاده (رهبری کودتای سال گذشته)... تلاشی نافرمان برای نجات اتحاد شوروی بود." کریوچکوف افزود یلتسین با انحلال اتحاد شوروی، روسیه را بی‌دفاع کرده است. در ادامه نامه او آمده است: "در کشورهای همسایه جدید که از نظر نسل مانع‌گذاشته‌اند و دست مرزی بود، کمربندی از رژیم‌های دشمن

نخست وزیر جدید لهستان و ادامه جنگ قدرت

ادامه از صفحه ۱۲
پست خود را واگذار کرده بود. ترکیب متضاد کابینه هانا سوخوسکا نیز نشانه امیدوارکننده‌ای برای طول عمر کابینه وی نمی‌باشد. وزرای کابینه او در بسیاری از زمینه‌ها نظرات و بر خوردهائی اصولاً متفاوت و گاه متضاد بایکدیگر دارند. این واقعات از این امر منشا می‌گیرند که ائتلاف شکل یافته بهیچوجه نتیجه اشتراکات سیاسی نبوده است. این که سیاستمداران لهستانی پس از پنج هفته مباحثات طولانی بر سر یک ائتلاف به توافق رسیدند، نتیجه هراس آنان از میل لخ والسابه کسب اختیارات بیشتر و قدرت فردی، و نیل به آن بود. والسا نمایندگان سیم (پارلمان لهستان) را تهدید کرده بود که در صورت عدم توانائی آنان در توافق بر سر تشکیل یک کابینه، خود پست نخست‌وزیری را نیز اشغال خواهد کرد. با این حساب سوخوسکا قدرت خود را مدیون والساس است. والسا از آنجائی که از طریق پاولاک قادر به کنترل کابینه بود و به همین دلیل از نخست‌وزیری وی حمایت می‌کرد، از آشکار کردن نارضائی خود نسبت به انتخاب سوخوسکا در پافشاری بر عقاید خود شمرت دارد. علاوه بر آن زمینه‌های هیئی درگیری بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر نیز موجودند. از آنجائی که نمایندگان پارلمان تاکنون موفق به ارائه یک قانون اساسی جدید نشده‌اند، تداخل اختیارات دو مقام مذکور در زمینه سیاست خارجی و دفاعی همچنان ادامه خواهد یافت. بر مشکلات کابینه جدید باید بحران اقتصاد کشور را نیز افزود. این که سوخوسکا و کابینه وی در غلبه بر این مشکلات تا چه حد موفق خواهند شد، مشخص نیست. اما به هر حال کابینه جدید راه دشواری را پیش روی خواهد داشت.

مصاحبه‌ای با رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی دولت باید به خشونت پایان دهد

ادامه از صفحه ۱۲
علیه خانم ماندلا متعلق به دوره معینی در تاریخ این کشور بود، و برای برقراری مصالحه واقعی، ما می‌بایستی در نظر می‌گرفتیم که فرد چه سهمی در مبارزه داشته است. من در مصاحبه‌ای گفتم که برخی کارهای نادرست بود که خود ما بمثابه یک سازمان انجام دادیم، و لازم است که ما به ارزیابی اعمال خود پرداخته و بگوییم "دوباره هرگز!"
نیوزویک: در سالهای آتی، ای.ان.سی. باید چه نقشی بعهده‌گیرد؟
هانی: من امیدوارم ای.ان.سی. از توده مردم جانبداری کند. آنچه مرا منزعز خواهد کرد، یک جنبش رهاییبخش ملی است که اغنیای آن را تصاحب کند. پدیده‌ای که ما در اکثر نقاط آفریقا شاهد آن بوده‌ایم. در این نقاط یک قشر حاکم جدید سر برآورد و منابع کشور را صرف خرید کالاهای لوکس، مرسدس‌بنز، زندگی در کاخ‌ها، جمع‌آوری ثروت و خرید مزاجر سهم‌های کلان در شرکت‌ها کرد. ما این پدیده را در زیمبابوه دیده‌ایم. در همه جا دیده‌ایم. ما می‌خواهیم شهروندان هوشیاری تربیت کنیم که در صورت نقض حقوقشان از سوی یک دولت برآمده از انتخابات دموکراتیک، از حقوق خود دفاع کنند. ما نمی‌خواهیم مردم بگویند: "حال که دولت بدست ای.ان.سی. افتاد، اوضاع رو برآه شد و ما به آن اعتماد داریم."
نیوزویک: آیا شما کماکان خود را نسبت به ادامه مذاکرات با پریزیدنت دکلرک متعهد می‌دانید؟
هانی: کاملاً، اما یک دست صدا ندارد. دولت قبل از اینکه ما به پشت میز مذاکره بازگردیم باید بسیاری کارها انجام دهد. دولت باید به خشونت پایان دهد. در غیر این صورت ما مذاکره نخواهیم کرد.

سوسیال دموکراتیک داشت. ای.ان.سی. هنوز هم بر ضرورت تحولات اجتماعی-اقتصادی به نفع مردم تحت ستم و فقیر تاکید می‌کند، و ما بر اساس این موضع آن، از ای.ان.سی. حمایت کرده‌ایم. از این رو است که حزب احساس کرد که ای.ان.سی. یک جنبش رهاییبخش ملی است که کمونیستها می‌توانند حتی پس از آپارتاید نیز در آن نقش ایفا کنند. شاید زمانی ضرورت وجود مستقل و جداگانه این دو سازمان ایجاد شود، اما حتی اگر این دو سازمان جدا باشند، همواره مجال همکاری در مورد بسیاری از مسائل وجود خواهد داشت.

نیوزویک: در شرایطی که در سایر نقاط جهان، کمونیسم به پائین ترین سطح نفوذ تاریخ خود رسیده است، شما ادامه جلب مردمی شریک‌های سبایه‌یوست نشین توسط حزب خود را چگونه توضیح می‌دهید؟
هانی: در گذشته، این دولت مبارزه برای دموکراسی و آزادی را با کمونیسم و مارکسیسم یکی قلمداد میکرد. یک همت دیگر، سیاستهای اقتصادی دولت است که در آن، اشتغال و دستمزدها به رنگ پوست بستگی دارد. جذابیت ماء ناشی از ماهیت پلید سرمایه‌داری آفریقای جنوبی و بی‌رحمی آن در قبال سیاه‌پوستان است.

نیوزویک: قبل از محکومیت سال گذشته وینی ماندلا به جرم آدم‌ربایی، شما گفته بودید که یک دولت آینده تحت رهبری ای.ان.سی. باید در صورتی که او در هر اقدام بزهکارانه مجرم شناخته شود، وی را مورد عفو قرار دهد. چرا؟
هانی: این گفته من بنا به ضرورت جدی مصالحه در این کشور ایران شد. برخی اتهامات

مونیخ

آغاز فصل جدید استعمار؟

دولت ایالت باواریا که در دست حزب راستی سوسیال مسیحی است، علیه این تظاهرات هزاران مأمور پلیس به کار گرفت. چهره مونیخ از چند روز پیش از برگزاری اجلاس، چهره یک شهر اشغال شده بود. مأموران مسلح، مرکز شهر را محاصره کرده بودند و به بازرسی و تفتیش مابریان می‌پرداختند. هنگام تظاهرات مخالفان، پلیس چندین بار با خشونت تمام به صف تظاهرات مسالمت‌آمیز حمله کرد و به ضرب و شتم شرکت‌کنندگان در این گردهمایی‌ها پرداخت. وحشی‌گری پلیس آلمان در محضوب کردن مخالفان اجلاس مونیخ به حدی بود که برخی مطبوعات و سیاستمداران آلمان خواهان توبیخ و برکناری مسئولان این عملیات پلیس شدند. نحوه محافظت از سران هفت کشور صنعتی، بارو حاکم بر این اجلاس هماهنگی کامل داشت. در مونیخ، سیاستمدارانی گرد آمده بودند که به سیاق دولتمردان اروپای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، کل جهان را حوزه نفوذ کشورهای خود می‌دانند. اسباب و لازمه چنین رویه تفرهن آمیزی، جز خشونت و زور نیست.

ادامه از صفحه ۱۲
حقوق در تقسیم مجدد احتمالی جهان، بلکه به مثابه جزئی از دنیای عقب مانده می‌نگرند، دنیایی که برای انبوه مسائلش چاره‌ای نیست جز آنکه مردمش با سختی‌ها بسوزند و بسازند و اگر مانند ژاپنی‌های پس از جنگ و کره‌ای‌های دهه‌های اخیر خیلی "لایق" و "سخت‌کوش" بودند، به جایی بهتر از آنجا که امروز قرار گرفته‌اند، برسند. از نظر سران غرب، هرگونه کمک اقتصادی به جهان عقب مانده، شامل بخش اعظم آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و قلمرو سابق شوروی، بدور ریختن پول است. قدرتمندان غربی اگر هم کمکی به اینگونه کشورها بکنند، یا مانند قضیه نیروگاه‌های هسته‌ای منافع مستقیم کشورهای خودشان در میان است و یا می‌خواهند با حداقل مخرج، به خیال خودشان سروصداها را بخوابانند و بگویند ما کمکمان را کردیم. از احساس مسئولیت در قبال سرنوشت مشترک همه بشریت که همین ماه گذشته در ریودوژانیرو درباره‌اش صحبت شد، در مونیخ هیچ سخنی نبود. سران هفت کشور در مونیخ گفتند که هر گونه

ادامه از صفحه ۱۲
سید احمد قزالی که در خرداد ۱۳۷۰ بدنبال ناآرامی‌های ایجاد شده توسط بنیادگرایان از سوی شاذلی بن جدید به نخست‌وزیری منصوب شد، در استعفانامه خود "نیروهای سیاه" در درون هیات حاکمه را مسئول عدم موفقیت کار دولت خود دانست. مخالفان قزالی در حکومت الجزایر او را متهم می‌کردند که بدون آگاهی از میزان نفوذ هر یک از احزاب، با شتاب انتخابات را برگزار کرده است و پس از کودتای دی‌ماه حاضر به استعفا نشده است.

آیا حزب کمونیست شوروی به صحنه باز می‌گردد؟

مورد مسائل سیاسی روز داشته است، نینا آندریوا استاد دانشگاه پترزبورگ است که در دوره گارباچف به دلیل انتقاد از مشی گارباچف شهرت یافت. آندریوا چندی پیش در مصاحبه‌ای گفت: "دیوان قانون اساسی هر حکمی که بدهد، نمی‌تواند اندیشه کمونیسم را نابود کند و بگوید که می‌یونها انسانی که از این اندیشه پیروی می‌کنند، وجود ندارند."
روسیه ایجاد می‌شود و هزاران تن در درگیری‌ها به قتل می‌رسند." کریوچکوف نوشت رهبران کودتای تابستان سال گذشته به هیچ وجه قصد "حمله به متر پارلمان روسیه" را نداشتند، و خطاب به یلتسین افزود: "ما شما به چنین حمله‌ای نیاز داشتید تا برای شجاعت خود حماسه‌سرایی کنید." از جمله کمونیست‌های دیگری که اخیراً موضع‌گیری هلنی در

ادامه از صفحه ۱۲
طی نامه سرگشاده‌ای به یلتسین که در پروا انتشار یافت، نوشت: "کمینه وضعیت فوق‌العاده (رهبری کودتای سال گذشته)... تلاشی نافرمان برای نجات اتحاد شوروی بود." کریوچکوف افزود یلتسین با انحلال اتحاد شوروی، روسیه را بی‌دفاع کرده است. در ادامه نامه او آمده است: "در کشورهای همسایه جدید که از نظر نسل مانع‌گذاشته‌اند و دست مرزی بود، کمربندی از رژیم‌های دشمن

ادامه از صفحه ۱۲
طی نامه سرگشاده‌ای به یلتسین که در پروا انتشار یافت، نوشت: "کمینه وضعیت فوق‌العاده (رهبری کودتای سال گذشته)... تلاشی نافرمان برای نجات اتحاد شوروی بود." کریوچکوف افزود یلتسین با انحلال اتحاد شوروی، روسیه را بی‌دفاع کرده است. در ادامه نامه او آمده است: "در کشورهای همسایه جدید که از نظر نسل مانع‌گذاشته‌اند و دست مرزی بود، کمربندی از رژیم‌های دشمن

آیا حزب کمونیست شوروی به صحنه باز می‌گردد؟

مونیخ آواز فصل جدید استعمار؟

مباحثه‌ای باره‌ی حزب کمونیست آفریقای جنوبی دولت باید به خشونت پایان دهد

توسل به اسلحه است. این احساس قابل درک است، اما به نظر ما این مشی نباید استراتژی ای. ان. سی. باشد.

نیوزویک: فرض کنید اکنون سپتامبر است، کارزار اقدام جمعی ای. ان. سی. تمام شده است و دکلرک بنا ندارد شرایطی را که شما برای آن سرگرفتن مذاکرات تعیین کرده‌اید اجرا کند آیا در آن هنگام مبارزه مسلحانه محتمل خواهد بود؟

هانی: نه. ما مبارزه خود را بعنوان یک جنبش مسالمت آمیز آغاز کردیم. این، سنت ماست و تا زمانی که امکاناتی برای مبارزه منضبط و غیر قهر آمیز وجود داشته باشد، ما باید از این امکانات بهره‌گیریم.

نیوزویک: رهبران طراز اول ای. ان. سی. و ح. ک. آ. ج. امسال را اکثرا به مذاکرات با دولت دکلرک گذرانده‌اند. اما از هنگام توقف این گفتگوها، بسیاری از طرفداران شما این استراتژی را مورد تردید قرار داده‌اند.

هانی: میان روحیات رهبری و مردم، شکافی ایجاد شده بود. اکثریت مردم هرگز نسبت به ضرورت گفتگوها متقاعد نشده‌اند. آنها به خود می‌گفتند: "در حالی که مشغول مذاکره‌اند، کشتار ادامه دارد".

فقط وقتی که شماری از ما به میان مردم رفتند ما احساس کردیم که بیش از حد بر مردم پیشی گرفته‌ایم. اگر ما گفتگوها را قطع نمی‌کردیم، نتیجه نهایی عبارت بود از ناراضی‌های وحشی روی گردانی مردم.

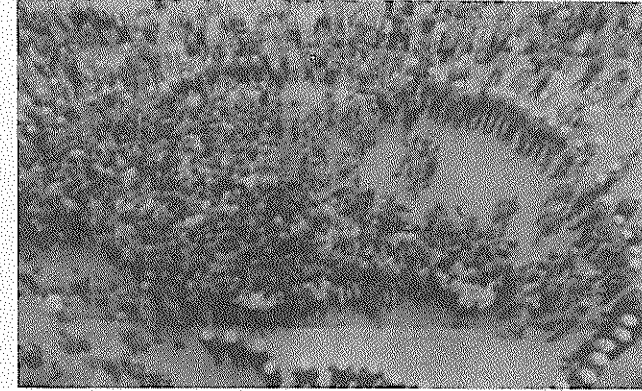
نیوزویک: ح. ک. آ. ج. در طول سالها تبعید، نفوذ زیادی بر ای. ان. سی. داشت. آیا اکنون راه ح. ک. آ. ج. از ای. ان. سی. جدا می‌شود؟

هانی: نه، نه، نه. ای. ان. سی. هرگز یک سازمان سوسیالیست نبوده است. این سازمان مانند اکثر سازمانهای پس از جنگ در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا تحت نفوذ مارکسیسم - لیننیسم بود، اما در اساس ای. ان. سی. مواضع

آفریقای جنوبی اخیرا شاهد تحولات جدیدی بود. بدنبال قتل عام دهها تن از مردم توسط جنبش اینکاتا و پلیس، کنگره آفریقا (ای. ان. سی.) گفتگو با دولت بر سر چگونگی برقراری دموکراسی را متوقف کرد و موقتاً شد. هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک در شماره این هفته خود مباحثه‌ای با کریس هانی رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی (ح. ک. آ. ج.) انجام داده است که در آن، مسائل جاری این کشور مطرح شده است. نیوزویک می‌نویسد ح. ک. آ. ج. "شاید تنها حزب کمونیست جهان باشد که در حال رشد است". کریس هانی علاوه بر رهبری ح. ک. آ. ج.، عضو کمیته اجرایی ای. ان. سی. نیز هست. از مسئولیت‌های سابق کریس هانی، ریاست ستاد ارتش چریکی ای. ان. سی. بوده است. به نوشته نیوزویک، کریس هانی در درون صفوف ای. ان. سی. از پرنفوذترین و لایق‌ترین رهبران است. او پنجاه سال دارد و گفته می‌شود که احتمالا در آینده جانشین نلسون ماندلا خواهد شد.

مباحثه نیوزویک با کریس هانی در ژوهانسبورگ انجام شده است. * * * * * نیوزویک: من برخی از جوانان را در شهرک‌های سیاهیوست نشین دیدم که به اصرار از رهبران ای. ان. سی. اسلحه می‌خواستند. مبارزه مسلحانه علیه پرورتوریا تحت چه شرایطی از سر گرفته خواهد شد؟ هانی: فعلا این احتمال، به واقعیت نزدیک نیست. ما هنوز مجال زیادی برای ادامه مبارزه از طریق قانونی داریم... از نظر من، مبارزه مسلحانه وقتی محتمل است که دولت، جنبش‌ها یا احزاب مخالف را ممنوع کند. فریادها و خواستهای "بازگشت به اسلحه"، پاسخی احساساتی به ادامه خشونت‌هاست. مردم احساس میکنند که نیروهای امنیتی رژیم، در اعمال خشونت آمیز شرکت دارند و برای توقف آن هیچ گامی بر نمی‌دارند، و از این رو تنها کاری که اکنون باید کرد

که تا آن زمان، "بر قدرت" دوم جهان محسوب می‌شود. امسال دعوت از مردم قدرتمند مسکو تکرار شد، با این تفاوت که اتحاد شوروی دیگر وجود ندارد و در عوض، باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه به مونیخ رفت. در آستانه نشست مونیخ، جرج بوش رئیس جمهور آمریکا پیشنهاد کرد روسیه به عضویت دائم



تظاهر کنندگان علیه اجلاس مونیخ: به پانصد سال استعمار پایان دهید!

کشورهای بزرگ صنعتی در آید. این پیشنهاد مورد استقبال شش عضو دیگر "باشگاه" قرار نگرفت. قطعا خود جرج بوش نیز می‌دانست که هم‌تایان اروپایی و ژاپنی‌اش به این پیشنهاد روی خوشی نشان نخواهند داد. اما از آنجا که ارائه چنین پیشنهادهایی با مخارج همراه نیست، بوش می‌تواند به یلتسین بگوید که "ما هر چه از دستمان بر می‌آید کردیم، دیگران نگذاشتند".

یلتسین قبل از هزیمت به مونیخ خواهان وقفه‌ای دوساله در بازپرداخت وام‌های خارجی روسیه شد. در مونیخ این پیشنهاد به این صورت مورد پذیرش طلبکاران همده روسیه قرار گرفت و سران قریب تنها قول دادند که برای تجدید محبت بازپرداخت این قروض، فکری بکنند. تنها برنامه مشخص کمک به کشورهای جانشین اتحاد شوروی که در مونیخ مورد تصویب قرار گرفت، گشایش یک صندوق بین المللی برای اجرای تدابیر ایمنی در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای شوروی سابق بود که به ابتکار هلموت کهل صدراعظم آلمان انجام شد. سران قریب در مونیخ گفتند که می‌خواهند جلوی فاجعه جدیدی مانند چرنوبیل را بگیرند. یلتسین قول داد که روسیه هشت نیروگاه هسته‌ای نسل اول خود را تعطیل کند و در نیروگاه‌های جدید، تدابیر ایمنی بهتری در نظر بگیرد.

به غیر از برنامه بهبود وضع ایمنی نیروگاه‌های شوروی سابق، یلتسین از مونیخ دستاورد مشخصی به مسکو نبرد. سران قریب همچون گذشته کمک به جمهوری‌های سابق شوروی را منوط به اصلاحات پیشنهادی صندوق بین المللی پول کردند و البته افزودند: "ما می‌دانیم که دوره گذار با انطباق‌های درآورد همراه است".

اجلاس مونیخ نشان داد که کشورهای بزرگ سرمایه‌داری به روسیه نه مانند یک شریک برابر روسیه به عضویت دائم

حداقل توافقی صورت بگیرد ولی در طی اجلاس اختلاف نظرها به حدی بود که حداقل توافقی نیز صورت نگرفت. حتی در سند پایانی هیچگونه اشاره‌ای به این مسئله نشده است. سال گذشته برای نخستین بار، رهبران هفت دولت بزرگ سرمایه‌داری از گارباچف رهبر وقت اتحاد شوروی سابق دعوت

اواسط تیرماه، سران آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، کانادا و ژاپن در مونیخ، پایتخت ایالت باواریای آلمان گرد آمدند تا اجلاس سنتی رهبران هفت کشور بزرگ صنعتی جهان سرمایه‌داری را برگزار کنند. این اجلاس‌ها که در آغاز عمدتا برای تصمیم‌گیری پیرامون مسائل مهم اقتصادی برگزار میشده، در طول سال‌ها هر چه بیشتر رنگ سیاسی به خود گرفته است. موضوعاتی مانند موضع غرب در قبال اردوگاه در حال فروپاشی سوسیالیسم و بحران‌های منطقه‌ای همچون جنگ خلیج فارس، در سال‌های اخیر در کنار مسائل اقتصاد سرمایه‌داری، دستور کار گرد همایی قدرتمندترین سیاستمداران غرب را به خود اختصاص داده است.

اجلاس سران هفت کشور صنعتی که تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی عمدتا جلوه‌گاه اشتراک مساعی کانون‌های مختلف سرمایه‌داری در مقابل "دیو کمونیسم" بود در وضعیت نوین جهانی بیش از پیش جلوه دیگری به خود میگردد: مکانی برای بررسی معضلات و اختلافات درونی و رو به تزاید کشورهای صف مقدم جهان سرمایه‌داری. تا قبل از برگزاری اجلاس اخیر در مونیخ ناظرین انتظار داشتند که بر سر مهمترین مسئله مورد اختلاف یعنی تنظیم روابط تجاری و تعرفه‌های گمرکی

الجزایر و رهبری جدید

در حالی که چند هفته از قتل محمد بوضیاف رئیس جمهور الجزایر می‌گذرد و یک نفر به اتهام کشتن او دستگیر شده است، شاید هرگز معلوم نشود که قاتل بوضیاف به تحریک و حمایت چه کسانی به سوی او شلیک کرد. با مکتوم ماندن حقیقت در پشت پرده انجام، برای افکار عمومی الجزایر چاره‌ای نمانده است جز اینکه در جستجوی قاتلان بوضیاف، به این سؤال پاسخ دهند که چه کسی از قتل او سود برده است؟

نخستین سوء ظن‌ها متوجه جبهه نجات اسلامی شد که به دستور بوضیاف نه تنها از رسیدن به ثمره پیروزی انتخاباتی سال گذشته خود، محروم گردید، بلکه به عنوان سازمان سیاسی ممنوع نیز شد. از آن هنگام، تروریست‌هایی که دولت آنها را مرتبط با جبهه نجات می‌داند، دست به اقدامات خشونت‌باری زده‌اند که طرف شش ماه گذشته ۴۵ مأمور پلیس و نظامی را قربانی گرفته است. قتل بوضیاف تنها چند روز پس از آغاز محاکمه سران جبهه نجات به اتهام دعوت به قیام مسلحانه صورت گرفت.

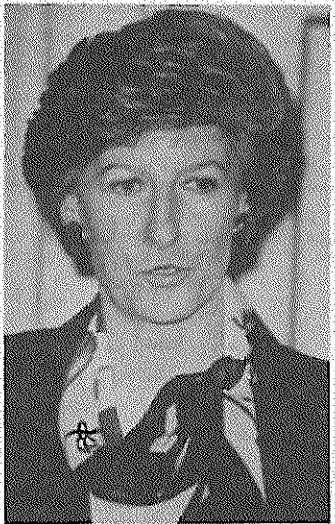
شاید قتل بوضیاف، انتقامی بود که بنیادگرایان از عامل زندانی شدن هزاران تن از طرفدارانشان در اردوگاه‌های صحرایی گرفتند. اگر چه جبهه نجات دخالت خود را در قتل رئیس جمهور تکذیب کرده است، اما در

در حالی که چند هفته از قتل محمد بوضیاف رئیس جمهور الجزایر می‌گذرد و یک نفر به اتهام کشتن او دستگیر شده است، شاید هرگز معلوم نشود که قاتل بوضیاف به تحریک و حمایت چه کسانی به سوی او شلیک کرد. با مکتوم ماندن حقیقت در پشت پرده انجام، برای افکار عمومی الجزایر چاره‌ای نمانده است جز اینکه در جستجوی قاتلان بوضیاف، به این سؤال پاسخ دهند که چه کسی از قتل او سود برده است؟

نخستین سوء ظن‌ها متوجه جبهه نجات اسلامی شد که به دستور بوضیاف نه تنها از رسیدن به ثمره پیروزی انتخاباتی سال گذشته خود، محروم گردید، بلکه به عنوان سازمان سیاسی ممنوع نیز شد. از آن هنگام، تروریست‌هایی که دولت آنها را مرتبط با جبهه نجات می‌داند، دست به اقدامات خشونت‌باری زده‌اند که طرف شش ماه گذشته ۴۵ مأمور پلیس و نظامی را قربانی گرفته است. قتل بوضیاف تنها چند روز پس از آغاز محاکمه سران جبهه نجات به اتهام دعوت به قیام مسلحانه صورت گرفت.

شاید قتل بوضیاف، انتقامی بود که بنیادگرایان از عامل زندانی شدن هزاران تن از طرفدارانشان در اردوگاه‌های صحرایی گرفتند. اگر چه جبهه نجات دخالت خود را در قتل رئیس جمهور تکذیب کرده است، اما در

نخست وزیر جدید لهستان و ادامه جنگ قدرت



حدود دو هفته پیش لهستان دارای نخست وزیر جدیدی شد. ائتلافی نو از چند حزب کاتولیک، دموکرات، دهقانی و ملی، خانم هانا سوخوسکا را به مقام ریاست دولت لهستان رساندند. فاصله نسبتاً زیاد نظرات این حقوقدان ۴۶ ساله در زمینه‌های مختلف، بعنوان مثال در زمینه سیاست اقتصادی و ستط چنین، وی را به تنها کاندیدی قابل قبول در ائتلاف مذکور بدل می‌ساخت.

پیش‌بینی مدت حیات کابینه تازه تاسیس یافته لهستان و آینده آن، دشوار است. رکورد همگرتاه کابینه‌ها در لهستان امری فیهربادی نیست. از استقلال کشور در سال ۱۹۱۸ تا جنگ جهانی دوم مدت بر سر کار بودن هر کابینه به طور متوسط بیش از ده ماه نبوده است. حتی یکی از دولت‌ها تنها سه روز قدرت را در دست داشت. لهستانی‌ها به این رسم خود

پای بندند. والدجار یا ولاک تنها یک ماه بر صندلی ریاست کابینه نشست. قبل از او یان اولژوسکی نیز پس از ۵ ماه نخست‌وزیری، ادامه در صفحه ۱۱